

خط فاصل تشکیل میکرد . یکچند ده و قریه بد بختی که در میان وادی مو
جود بوده به سر میهای تول غنند های طرفین معروض مانده بودند . این قریه
های بد بخت گاه از طرف روسها و گاه از طرف ژاپنها ضبط و تسخیر شده
و در تمام زمستان گاه از چپ و گاه از راست به آتش طوب مخاصمین دوچار مانده اند .
« لوی غنند خاصه که من با او همراهم ، بعد از آنکه بقدر سه ربع ساعت
بر رفتار خود دوام ورزید قولهای کشف او خیر داد که در ساحل جنوب (شا
حو) یکچند قریه هادر زیر استیلائی دشمن میباشد . بنابراین در میان سکونت
لیلی نخستین بار صدای سلاحها عکس انداز پرده های کوشهای ما گردید .
« روسها بعد از یک آتش کوتاه تفنگ و موقعمهای خود شاترا بدشمن وا
گذار شده رجعت کردند . قرا از دامنه افق بلند گردید و کار ژاپنها را که به
عملیات تحکیمیه مشغول بودند سهولت عطا نمود . ژاپنها تابه طلوع آفتاب
برای تحکیم کردن موضعمهای خود کوشیدند .

« در عین همین شب لوی غنند (۱۲) هم ژاپان ، تابه قرا ولهای پیش
روس رسیده ، و لوی غنند (۴) م نیز بلا مشکلات دیگر لوی غنند هارا تعقیب
کرده بود . قطعات محاربه در اثنائیکه به اینصورت بسوی دشمن پیش می آمدند
در عقب آنها از طرف دیگر قطعات برای جایجا کردن طویچی محاصره خط
راه آهن خفیف شدند و فرو وضع و نمود . یکگردید . دیگر اقسام سه جبهه
حرب امروز را بسکونت گذرانیدند .

« ژاپنها ازین حرکات پیش رفتاری فعالانه شان در طرف شرق مقصد
یکانه که داشتند این بود که فکر روسها را برین ثابت سازند که تعرض قطعیه
بعقابل جناح چپ روسها اجرا میشود و به اینصورت دایما جناح راست خود
شاترا خالی میکردند . »

— (۱) وقایع از (۲۶) فیروزی تا به (۱) مارچ —

در (۲۶) فیروزی ، قول جنح راست قول غند (۵) م ژاپن تا به (سان لونیو) تمدید داده شد .

غبرک غند (۱۵) سه لوی غند (۲) وم تا به دره سقورای نزدیک شده بود . اما در آنجا از طرف قوتسهای غایت روسها به توقف مجبور شد .

غبرک غند (۳۰) وه ژاپن امروز در جوار (ابان) جمع می آمدند غبرک غند احتیاطاً لوی غند (۱۲) تپه های جنوب استونشور چوزی را گرفته بودند ،

لوی غند خاصه ، درین شمار تمام جبهه به آتش طوپچی آغاز نهاد ، غبرک غند (۳۱) جمع لوری خود را اکثراً نموده بمخاربه آغاز نهاد . و بمدای مخاربه

شدت تا کی ، بسیار همه دستهای از اسلحه کات روس را که در جهت شرقی دره (و غبرابین) بود ضبط نمود .

لوی غند (۱۷) هم بصورت عمومی شبیه آتش طوپچی اکتفا بیکرد ، اما در جبهه لوی غند خاصه درینروزها بسی مخاربه های خونریزانه بوجود

می آمد . و چون این مخاربات در میان قطعات پیش بوقوع می آمد در وضعیت عمر می هیچ یک تبدیل حاصل نمی کرد .

امریکه از قرار کنگره (فورسکی) آمده بود همین بود که شدت هجومهای خود را بر جبهه روس افزونی دهد تا آنکه دیگر قسمهای خود را برای

تقریب دادن فرصت نیابد .

قول غند (۲) م (نوزو) تپه های (پوتیروف) و جوار آنرا با طوپهای بزرگ سنگین چاپ خود بکوبیدن آغاز نهاد . طوپچی قول غند (۲) م (قور

روکی) برای آنکه نظر دقت دشمن را بسوی غرب جلب نکند درینوقت اختیار سکوت کرده بود .

در جناح چپ، تون غند (۳) وم جنرال (نوژی) بکمال فعالیت برای اجرای تصور مد هسه ما نوره حرکت احاطه خود کوشش میوراید . وبا (۴) قول به پیش رفتاری خود آغاز کرده اسروزی یعنی در (۲۶) فبروری بخط (ما ببقای - قائمیت) وارد شده بود . غبرک غند سوار (۳) وم دروادی (لیاعو) پیش شده بوقت شام در جوار (طقی) رسیده بود . در (۲۷) فبروری - تون غند (۵) و ژپان با ورود قول خود به تعرض بر (دیتا) و (اوبوئیونو) دوام زوریده ولی شیج یك نتیجه مهمی بدست آورده نتوانست .

تون غند های (۱ - ۲ - ۳) ژپان با سپهر چهار بخش او محاصره نمود موضعهای دشمن را میگریدند . قطعات روس ، موضع اصلی خود شان عقب کشیده در آنجا آرام گرفته بودند . و از نیرو بصدایت پراکنی و چار نمیشد .

یکی از مخا برین محاربه کیفیت داخل شدن تون غند (۲) و جنرال (نوژی) را در میدان محاربه به صورت بیان میکند :

« در روز (۲۷) فبروری بوقت از صداهای طوپ عادی هر روز خیلی قویتر کرد و کثرت ریمه زخوه مهیب و دهشت آوری شتابان میشد . اینچنان يك ولوله که برده گوشهای چینی را تا در ولله توپانغ بر آورده حلی نشسته بودند به آواز می آورد . این خروش طوپ مانند عکس صدای يك طوفان مد هسه که در طبقات فیرقانی هوای نسیمی بوجود آمده باشد در هر طرف افق منتشر میشد .

در مگر طوپهای محاصره دیو آسایی که طرفین مخالفین آنرا بدلت بودند ، و در سرکهای خود آنها را تعبیه کرده بودند به اغی وظیفه آغاز نهادند .

تقریباً (۴۰۰) طوپ هاوان ، و اوپوس دیو آسا از طرفین در حال فعالیت آمده بود . اینست که تول غند (۴) م ژاپن که در زیر قوماندۀ جنرال (تو زو) بود به صحنۀ محاربه به اینصورت داخل شده بود .

در طرف راست این تول غند ، و تادرمقتهای افق از مدت (۸) روز به اینطرف تول غند (۵) م جنرال (قاوامورا) ، و یکقدری از آن نزدیکتر از چار روز به اینطرف تول غند (۲) م جنرال (قوروکی) محاربه میکردند . در (۲۶ ، و ۲۷) ماه محاربه طویچی انقدر شدتناک نبوده فاصله بقاصله بوقوع می آمد . روسها برای دانستن امتداد موضع ژاپن باطوپها مسکن ، و جناح چپ ، و جنبه ژاپنها را جستجو کردند ، ولی ژاپنها به ستر و پنهان کردن قوت های خودشان ، و وفق و کامیاب آمدند و هیچ سر رشته به روسها ندادند . پیاده ژاپن درخند قهای شکاری خود در یک سکوت عمیق انتظار می کشیدند و تنها به ترصد و دفع کردن حرکات کشف دشمن اکتفا میورزیدند . در تاریخ حرب تا به ایندم هیچ یک مثالی دیده نمیشود که اقواه ناریه بسیار جسیم ساحل ، یعنی — طوپهای بزرگی که در ساحلها برای کوبیدن کشتیهای جنگی وضع میشود در محاربه های میدان استعمال شده باشد . و هیچ کس تا بحال بخیال و خاطر خود نیاورده بود که طوپ های اوپوس (۲۸) سانتیمتره ای برای ایفای خدمت کردن باغندک طوپ های صحرادر میدان محاربه آورده شود . ائشه ملیتر های اروپا که بحسیات یک معلمی که در امتحان شاگردان مکتب بیابند در اینجا آمده اند ، خودشان درین محاربه مانند شاگردی مانده معلومات عسکریه خود شان را بوسی مکتسبات جدید تر زمین و توسیع داده واپس به مملکت های خودشان برگشته اند .

صداهای مهیب دهشتناک طوپخانه های (توزو) از نقاط بسیار بعید

افق نیز شنیده میشود. انسان وقتی که به این غنچه طوب ها نزدیک میشود هنوز از یکچند کیلو متر دورتر لرزه زمین را حس میکند.

« طوب های (۱۲، ۱۵ و ۱۵۹) سانتیمتری در استاسیون (شاحو) تعبیه شده بود، البته های استاسیون سراسر ویران شده بود و گاه های روس در مین غلطیده گیهای آنها بی هم اشتعال میوزید. لیکن طوب های ژاپن با ستره های بلند و قوتی مستور بودند. در چاراضراف طوب ها، خرمنهای خاک، و پارچه های غلطیده کی ها و سنگنهائیکه موجود بود، بتأثیر گاه های روس به هوا میشد! و گاه گاهی هر چیز در میان یک هرج و مرج طوفانی بالاغالب شده میرفت. در جهت غرب استاسیون، و هزار متر دورتر از استاسیون در پشت درخت غنچه طوب از آن اوبوسهای (۲۸) سانتیمتری که پر (بورازور) غلبه جسته اند تعبیه شده بود، از ارضی بجا چون عارضه ناک نیوربری طوب ها هیچیک ستره طبیعتی وجود نداشت. بمقابل گاه های بزرگ دشمن در مین بازره تعبیه میشدند. شاهد ریش روی هر طوب از توبره های یگانه بکوبیده میشدند. ستره های این طوب های اوبوس سنگین در زمین دست افش، و غیره پیش از توبره بپاشیدند. بقیا و معارضت آنها به طرفیکه انسان میخوردند در هر یک از توبره ها بکوبیدند. سهولت بالارویان میشد. طوب، در هر ش. و در هر تیرت در هر یک از توبره ها میداد. در پی هر انداخت اوبوس ژاپن، یک کله بزرگی از طرف روس بپاشیدند. بانه می آمد. گاه های روس وقتی که بر زمین، یا افتاد زمین، یا ستره پسیار شدیدی بلرزه می آمد. خرمن های خاک، و غنچه گیهای که بر هوا میشد روی هوا را تیره میساخت، و در طرف یک آن همه غنچه طوب با یک دود سیاه و کثیفی ستره احاطه میشد.

« وقتی که یک کله افتاده اشتعال میوزید طوب بچسبها برای یک آن تعطیل

خدمت کرد بیک حرکت غیر اختیاری خم میشدند، و یاد در زیر سپر پنهان میشدند، این یک آن بجز آنست، افسران نیز مانند نفرها، بگرداندن ما هماندم این حال زایل شده همه شان باز بر سر طوپ سیدو میدنند، و باز بکمال سکونت و انتظام بر کار خود شان دوام مینمودند، هیچ یک عمل ماشینخانه ها در وقت کار ماشین های خود ازین عکسهای طوپچینی زیاده تر، با سکونت و انتظام تر کار نمیتوانستند، افراد دلاورچینی (نوزو) با افراد عمده، و با کینیت بک و اپوری مشابهت میرسانند که در حال وقوع یک قضایا سیده گی برای برهائی دادن کشتی و کشتی نشینان خود کوشش ورزند، اندیشه و تلاش این افراد بجز تلاش و اندیشه آنها، مشابهت می رسائید،»

در اثنای محاربه، احوال روحیه عسکر چنانچه انسان گمان میبرد و احوال هیبت اشغال محاربه را می بیند به آن درجه مدعش و برهاس نیست، بلکه از آنچه گمان میشود خیلی ساده تر و اسانتر است.

زیرا یک تول غند پیش از تشکیل یافتن برای حرب با نژادی انسانهای مختلف بیدل و آرامی مرکب میباشد، مثلاً از مردمان دهقان، و صنعتکار، و کاتب و امثال این گونه عناصر مختلفه جمع آمده میباشد که اینها از دلاوری، و قهر مانی هیچ بهره ندارند، و هیچ شبهه نیست که پیش از جمع آمدن تول غنده، هر گاه بکوفتی خود در اهدف یک سلاحی به بینند در قلب خود بیک اثر خوف و خابجانی حس نکنند، حال آنکه در تول غند چون این انسانهای عادی جمع آیند هر یکی از آنها بیک قهرمان دلاوری میشوند.

زیرا حرب برای تمام انسانها یک وظیفه شمرده میشود که هر کس به ایفای آن، مکلف میباشد، استعداد و قابلیت انسانها در خصوص عادت گرفتن با چیزهای غیر طبیعی بدرجه ایست که تا این حد نیست، مثلاً بیک شهر بیک در

فریب می‌آورد مان طوب گرفته شود، اهالی شهر رفته رفته با آن بومبارد مان چنان عادت می‌گیرند که آنرا یک حال طبیعی میدانند که اینچنان دور پور آنروز بواقعی مشاهده شد. زیرا بجز در یک پوه بار در آن توقف می‌کرد باز آنرا در کجا از صراطه ها و فیتو نهایی سردمان شهر که برای هوا خوری می‌برآمدند پرمیشند. و چنانچه کسی بگوید که «باز آن ایستاده شد، پیا که به هوا خوری بر آید.» در پور آنروز نیز همچین گفته میشد که «بومبارد مان ایستاده شد.» پیا که بازار برویم.»

در احوال عاداتی نیز همچین است: مثلاً در روی زمین هیچ وقت تیارهای مدهش مانند ویا، و طاعون، و دیگر گزته قضاها و فلاکتها، کم میشد. با وجود آنکه هر روز بسیاری از همچنان خود را می‌بینند که تیار میشوند، و به تهلکه گرفتار می‌آیند، و می‌میرند باز هم هر کس به همین قانع هستند، من ازین تهلکه‌ها از ادم، و از انرو هر کس بکمال ذوق بکار و بار خود مشغول میشدند. اینست که عسکر هاهم بمیدان محاربه پیچیدگی حس نوکل نیکیبندند و طشتان جسورانه داخل میشوند. و باز چون کسی از رفقای خود را بمحرف و مقتول افتاده می‌بینند، باز هم چون بسی رفقای خود را زنده می‌یابند حسیات نیکیبندانه شان افزونی می‌گیرد.

ذاتاً حرب مجزیه شکل خصوصی حیات بشریه. اگر چیزی نیست، و از آنست که انسانها در میدان حرب تدریجاً الفت پیدا میکنند.

مخبر (بارزی) بر تفصیلات وقایع حربه دوام کرده میگوید:
 «یکقدری دور تر از غندک طوب (اوبوس) ژایا نهایت، ناره چوبی بلندی بر پا کرده بودند که اینجا واقع رسد آنجا شده بود، و مثلاً به چشم غندک طوب شمرده میشد. زیرا در حجره شیکه از آهنهای خط شمندو فر برین مناره

بوجود آورده بودند افسران طو پچی ژاپنی نشسته، وضع دشمن را ترصد میکردند و نتیجه های انداخت و تأثیرات آنها را با تلفون اخبار میکردند. روسها برای تحزیب این قلعه ترصد بسیار سعی و غیرت میکردند، در اطراف آن متصل گنجه های روس افتاده استعمال میوز زید. و قلعه را در میان دودها و شعله ها مستغرق میکردانید. گاهی دیده میشد که يك پارچه کله از تیرکش حجره بدرون حجره نفوذ مینمود، و بعد از کمی يك افسر ژاپنی را می دیدیم که سرورزش در حقیق آورده شده از قدمه های قلعه فرو می آمد و با خطوط ضای آهسته آهسته تنها بسر خود بسوی محل خسته خانه روانه میشد. اما با وجود اینهم تلفون از خبر دادن کله ها شبکه اصابت میکرد و یا نمیکرد کو تاخی نداشت.

در این تیر کشی که از روسان نشسته در شرق آنها و تسکلی بود بيك وضع حزن آوری در انوار پر بینش در هر طرف راست تپه (پرنیبارف) در میان دیده می آید و در هر یک بصورت جدی تر جسم میگذرد. کله های آبیست و آبیستهای ژاپنی در بغله ها و قدره تپه ها کور می کشند و هر انداخت با کتله دور و دور میگردانند. کله های آبیست در این توده سحاب آسای دودها تپه را گمان میسازند و در هر تسکلی اصابت می کنند. پس میدانند و بعد از يك مدتی از آن سحاب زمین زده تپه را پر از سحاب آبیست در میان آن سحاب پاره ها صرخه و بیهود میگردانند.

در این تپه ها و تیر کشی (بهن از ما انسان موجود بود، چونکه روسها آنرا بيك صورت بسیار معنادن حکیم و تقویه نموده بودند. در دیگر موضعه های روس که در کنار ساحل نهر (شاحو) بودند نیز اینچنین دودهای کشیف و مظلم دیده میشد. آثار تحزیبات آتش طو پچی ژاپان از دور نیز فرق و تمیز میشد. در جاها شبکه کله

های ژاپن میکفید کتاه های بزرگ سنگ، و غلطیده گیها، و یارچه های اعضای انسان پروا میشد .

« بعد الظهر در نزدیک خط شمندو فردو های کثیف و مغالم عمودی آهسته آهسته و متادیا بالاشدن ، و رفته رفته انتشاریا فتن ان دیده شد . قریه (حانچاپو) که بقدر چارونیم کیلومتره از استاسیون (شاحو) دورتر بود در میان علوها و شعله های مدهشی بنامد . روسها درین قریه چونیهها ، و کداههای مهمات ، و جبه خانه های خودشانرا تاسیس داده بودند .

« بعد از کمی که دو دها خیلی افزونی گرفت دفعته یک احتمال بسیار آمد هشی که صدا های ان خیلی مهیب و دلخراش بود شنیده شد ، و یک عمر دشمنه زرد رنگ بسیار غلوی بسوی سهابالا بر آمد .

« مگر ایستد و دها و شعله های بالا آسا از بر هوا کردن مغازه های جبه خانه ها بعمل آمده بود . قریه (شاحو بو) در میان علوها سراسر سوخته محو گردیده در عقب آن آتش بقریه (پاحشاجو) ، و (قولیتو) ، و (شوتانچو) نیز سرایت کرده همه ابق در میان یک شعله بسیار سهمنهک غریبی بنامد . و چون درین اثنا آفتاب هم غروب نموده بود دهشت و عظمت این شعله هادو بالا شده بود . »

در شب (۲۸) فروری قول تول غند (۱۷) روس بمقابلن پل شمندو فر استاسیون (شاحو) یک تعرض مقابلی اجرا نمودند . ولی از طرف لوی غند (۶) ژاپون باضایعات گمیره دفع ورد گردید .

تول غند (۳) م جنرال (نوزی) که وظیفه مهمه حرکت احاطه راد رعهده گرفته بود در شام هانروز بخط (قوتایچی — قوینی قان) داخل شده در جناح راست خود بادشمن تماس حاصل کرد .

جنرال (قور و بانکن) در زیر تاثیر این احوال مدهشه خیلی به اندیشه و

اضطراب مانده همه نظر دقت خود را به اینطرف توجیه نمود. و بخوبی دانست که در جناح راست او دقیقه بدقیقه یک تهلکه بسیار بزرگ و مدهوشی بظهور میآید. یک لوی غند که در زیر دست خودش در احتیاط طول غند موجود بود هماندم بر استقامت (سالمین بو) به پیش روانه نمود و غیر ازین یک لوی غند دیگری نیز در داخل قول تول غند (۱۰) م تشکیل داده در عقب آن لوی غند در فرستادن بود.

وقایع (۱) م مارچ

سرازامروز جنرال (نوژی) مجبور بوده با قطعات روس دست و گریبان شود. لهذا در یکم مارچ قولهای خود را بیکدیگر نزدیک کردن، و حرکت (کین چرخ) دوام ورزیدن را قرارداد.

سواری این تول غند (۳) م بی آنکه محاربه کند بوقت شام به (طامنئون) ، و کند کهای پیش آن به (سین مین تون) واصل شده.

لوی غند (۷) م به (حاشی قانزا)، و لوی غند (۱) م به (تپاقانچو)، و غیرک غند احتیاط به (بوحاتای) رسیدند. لوی غند (۹) م اگر چه موضع در جوار (سپقان تای) احاطه کردند، ولی بنا بر مشکلات واقعه، تعرض قطعی را برای شب آینده تاخیر دادند.

لوی غند (۲) م جنرال (اوقو) که تا بحال در موقع های خود بی صدا و ندا بسخو کرده انتظار تقرب تول غند (۳) م جنرال نوژی را داشتند درینوقت فعالیت آمده جناح راست لوی غند (۸) م تا بموقعهای (چانسانخوتان) و (چانسان)، و جناح چپ لوی غند مذکور بر موضعهای روس که در مابین (چانسان) و (سپقانتای) بود تعرض نمود.

لوی غند (۵) م تول غند (۲) م در شب (۲) و م مارچ بعد از محاربه های شدید و معندانه خونریزانه، روسها را از موضعهای شان بیرون بر آورد.

لوی غند (۴) م ، و (۲) غبرک غند احتیاط در (حو نلین بو) حاضر امر مانند تہ •
 در باب حرکات ابتدائی تول غند (۲) م جنرال (اوقو) یکی از بخارین
 حرب این تفصیلات را بیان میکند :

«موضمہای روس کہ در مقابل تول غند (۲) م ژاپن تصادف کردہ بود از خط
 شمندو فر تا بساحل راست نہر (ہون) امتداد یافته و یک خط مستحکم
 تشکیل دادہ بود کہ از جیبہ بر آن هجوم بردن را بخیال و خاطر ہم نباید گذرا
 نید . زیرا اینچنین یک تشبث ہم بہ بسیار وقت محتاج بود ، و ہم خیلی ضا
 یعات را موجب میگردد . لہذا جنرال (اوقو) درین اسباب جنرال (نوژی)
 مشترکاً با ہمہ قوای موجودہ خود بر (چانتان) تعرض کردن ، و بعد از آنکہ
 این موقع مهم را ضبط نماید بر خط مستحکم روس از بغل بہ هجوم بردن
 قرار دادہ بود .

«هنوز در (۲۶) م قبروری کہ طوفان های برف بر ساحل نہر (ہون)
 خرمینہای جسیم و متحرکی تشکیل میداد یک غندک طوپ استحکام ژاپن
 بسا ختن یک پل بزرگی بر نہر (ہون) در مقابل (حوقوتای) مشغول شدہ
 بودند . اینست کہ ازین پل تول غند (۲) م سرور نمودہ از راهہای مختلف
 استقامت (چانتان) را گرفته بودند .

«در نیشب لوی غند (۸) م از نہر مذکور گذشتند خطوہ های منتظم
 غندک ها بر سر این پل تو ساخت صدا های خفہ شدہ آہنگ داری حاصل
 میکرد . صدا های طوپہا ، و صراہہ های جیبہ خانہ و مہمات تابسیار دور جا
 ہا عکس مینمود .

«ساعت دو بود . ہر نفر بر یک یک توپہ خاک کہ خدمت سپر ساختن
 شانرا ایفا نماید بر شانہ داشتند کہ بہ این وضعیت نفرہای ژاپنی قبافت عجیب

الشکل غریبی را گرفته بودند ، و چنان پنداشتی که يك نوع مخلوقات کالوله بی سری هستند .

• ژاپانیها بکمال تقید و احتیاط همه شب راه میبودند . پیش از صبح بساعت (۶) بقدر (۷۰۰) متره به نزدیک موضع ای دشمن رسیدند . و هماندم بر زمین خوابیده در پشت توپره های رنگ خود خیزیدند و بطلوع افتاب منتظر ماندند . طوپچی يك کیلومتره دورتره وضع گرفته با طلوع شمس یکجا به آتش افاز کردند .

• اسروز هوا صاف بود . قریه ها و استحكامها واضح و عیان دیده میشدند . بز دیوارهای خشت پخته قریه (چانتان) عسکرهای روس دیده میشد که با (قلامه) یعنی — بایرق کوچک مخیره میگردند ، و به این اشارت های شان از دیگر طرف نیز جواب میرسید . بوقت پیشین غنڈک های ژاپانیها کله های شراتیل خود را کس کرده کله های طورپیل انداختن گرفتند .

• کله های طورپیل مانند نقب کار کرده کتله های سنگ و خاک را بر هوا کرده بر روسها می افشانید . صفت پیاده در زیر حایه توپره های رنگ خود تدریجاً پیش میرفتند •

تا به نزدیک شام در تمام جبهه تول غنڈ آتش شدید و کثیف طوپ چی دوام و درزید ، بوقت شام کسب اعتدال نموده بعد از کمی سراسر منقطع گردید . شب خیلی مظلم و ساکن بود . تنها در منتهای شرق صدا های رعداسای او بوسهای (نوزو) که تپه (بوتیلوف) را در زیر آتش گرفته بودند شنیده میشد . گاه گاه صدا های تفنگ نیز از آن طرف بگوش بر میخورد .

بساعت (۹) شب در تمام میدان مخاربه يك سکوت عمیق حکمفرما گردید . در چنین زمانهای سکونت مخاربه يك حال ثقلت پنخشی پیدا میشود . انسان

یکمال خلجیان بوقوع يك حادثه فوق العاده منتظر می‌ماند .
 « درین اثنا دیدم که يك ضیای کوچکی از نزد یکی قرارگاه جنرال (اوقو) بدرخشید ، این ضیاء بعد از کمی خاموش ، و باز ظهور نمود . مگر این يك چراغ الکتریکی بود . از بسیار دور يك چراغ دیگر به این چراغ جواب داد ، و از دیگر نقطه يك چراغ دیگری یکدو بار روشن و تریک شد . مگر از طرف ارکان حربیه تول غند به این صورت به لوی غندها تبلیغ او امر میگرد . وقتیکه تبلیغ امر ختام یافته همه چراغها اشارت (دانسته شد) را بداده و روشنیا بیکیار خاموش گردید .

« بعد از یک دقیقه منظره میدان محاربه تبدیل یافت . در هر طرف افق لاله های آتش طوب و تفنگ شمشعه نثار گردید . و با يك ولوله هول انگیزی سکونت عمیق شب را خلال دار گردانید مگر ژاپنها بر موضعهای دشمن به هجوم آغازتها ده بودند . هجومهای ژاپنها مانند امواج بحر که بسا محل بخورد تا به پیش شبکه ها و دامهای سیمنی استحکامهای دشمن رسیده در انجاده و چار توقف گردید .

« لوی غند (۵) ساعت (۱۰) در ساحل راست نهر ، يك استحکام دشمن را ضبط و تسخیر نمود . که درین اثنا جنرال (نوژی) نیز (سیفانستای) را ضبط کرده یکمال عزم و متانت سر راست بسوی شمال پیش میرفت .
 « بتأثیر بومباردمان ده ها و قریه ها عقب یکدیگر آتش میگرفت . و همه آنها را يك رنگ آتشین شعله نشاری زمین میگردد . بروشنی حریق راهها و بخند قهای شکاری که عسا کروس دران بودند بخوبی مشاهده میشد .
 در جاهاییکه خالی گمان میشد غیر متحرک کتله ها ، و یا خود قافله های شجر و حین دیده میشد . گاه گاهی که که های شرانپل بر این خرمنهای انسان میکفید چنان معلوم میشد که در يك محل حرقی سر دمان جمع آمده اند .

در تاریکئی شب گاه گاهی که بعضی سایه های انسان نزدیک میشد صدا های (تاره دا) یعنی — (کیستی) بلند میگردد. دیگر بعضی صداها آن را جواب میداد. و بعد از آن باز هر چیزی غریقی سکون میگردد. . .

درینطرف حال بدینمحوال بود. اما تونل غنند چارم جنرال (نوزو) از سر قوماندان امر گرفته بود که بر جبهه خط روس هجومهای بی هم برده نگذارد که دشمن قوتهای خود در اثر (اوقو) و (نوزی) صرف بشوند. در پیش روی این تونل غنند موضع بسیار قوی و مستحکم تپه (پوتیلوف) مانع افتاده بود. این تپه که اساس جبهه روس بود در وسها آنرا بعد از محاربه (شاحو) بحال يك موضع مستحکم ممتنع النسخیری در آورده بودند. در پیش گاه این تپه دایها و شبکه های سیمی بسیار محکمی ساخته بودند، و بسی چاههای گراک دام و تقب و غیره. و ائمه ها بوجود آورده بودند، و به اینصورت (۶) خط موانع فرعی در پی هم دیگر تاسیس داده بودند. و از جنوب شرقی تپه مذکور تابه (شاحوپو) استحکامهای متعددی ساخته و آنها را بواسطه خندقهای شکاری، و موانع فرعی بهم دیگر ربط و الصاق داده بودند.

جنرال (نوزو) بنا بر امر یکی از قرار گاه گرفته بود بر موضع (پوتیلوف) بهجوم بردن قرارداد.

تفصیلات این هجوم را موسیو (بارزینی) باینصورت حکایه میکند:

« غبرك غنند جنرال (ایمانشی) که قول چپ لوی غنند (۱۰) هم بود بر ضبط این تپه مأمور گردیده بساعت (۸) روز (۱) م مارچ خندقهای خزه خودشان را ترک کرده بحرکت آغاز نهادند. روسها آتش طوپ شدیدی بر آنها چراغینمودند ولی پیاده شان هنوز ساکت بودند.

« ژاپانیها امروز از هزار متره پیشتر رفته نشووانستند. فردا بوقت صبح يك برف بسیار کثیف میبارید. جو هوایا پارچه های برفی که باد جنوبی آنرا یکسر بسوی روسهای انشاند مستور بود. عسکر ژاپان این حال را يك آمد ادمعنوی شمردند. « غبرك غند (ایمایشی) تول غند خود را ترك کرده در زیر حمایت طوفان برف تا به (شاجو عوتو) پیش رفتند. نزدیکترین موضعهای دشمن از اینجا مسافت (۲۰۰۰) متره بود. بعد از پیشین برف منقطع گردید، و افق صاف شد. زمین با يك لباس سفیدی مستور بود. چیزها تیکه خیلی دور بود هم خیلی واضح و آشکار دیده میشد.

« روسها بمجرد يك رفتار پیش آمدن ژاپنها را فرق و تمیز کردند شدت آتش خودشان را تزئید کردند. و ژاپنها چون از ده (شاجو عوتو) برای هجوم کردن بر استحكام (حولوتون) برآمدند يك آتش شدید مد هشت طوبچی برا نهایتوجه گردید. شرانپلهایشیک بر زمین می افتاد برف هارا مانند گرد بادی بهوا میکرد.

« غند چپ غبرك غند، زیاده تر به آتش دشمن معروض بود. در ظرف (۲۰) دقیقه تولی های اول این غند (۴) افسرو (۱۲۴) نفر را غایب کردند اما بازم بر رفتار پیش رفتی خود دوام میورزیدند. خط هجوم بدشمن بقدر (۱۲۰۰) متره نزدیک شد. اراضی باو جودیکه عارضه ناک بود بازم سراسر در زیر حاکمیت نپا (پوتیلوف) بود.

« محاربه طوبچی خیلی شدت ناک است. گله های جسیم ژاپنها، ترمیبات تدا فعیه روسها را زیر میزند، دامها و شیکه های سیمی را میغلطاند، سپرها را بهوا میکند، اما روسها در باب تلافی و تعمیر کردن خسارات خودشان سرعت و مهارت حیرت آور نشان میدادند و بمجرد يك دوداشته مال گله های ژاپان زایل

میشد سرعت تمام عسکرهاى روس برآمده خرابیهار ايس تعمیر میکردند، و باز پس در پشت سپرها میخزیدند .

«صداهای قوماندۀ افسران ژاپنی که بر صفهای عسکر (پرخ ز او ! . . . پرخ ز او ! . . .) گفته حکم میکردند متصل عکس انداز میکردید و تفنگهای ماشیندارشان متصل بر خندقهای شکاری روس آتش میافشاندند .

«بیشترین خندقهای شکاری روس با يك تولى مختار نشان انداز مدافعه میشد .

ژاپنها تفنگهای ماشیندار خودشان را بالا کشیده کشیده این خندقها ادرز بر باران کله گرفتند . لکن طویلههای روس برای رهساری یافتن از پس آتش جهیم آسبابویهای (۱۵) سانتیمتره یی خود دو عدد انهار انحریب کردند .

« در ساعت پنج ، مهاجمین در هر حمله خرمنها خرمنهای نعش خود

شانرا امان کرده هجوم میبردند ، درین اثنا قوما ندان عبرك غنند جنرال (ایما یاشی) مجروح شد . يك پارچه شرانپل بر سینه اش اصابت کرده بود .

دو کفتان به آمدن قوما ندان دویدند ، جنرال هر دو دست خود را بر سینه خود فشرده گفت : (بگذارید ، ضرر نیست . . . هنوز بریایستاده شده

میتوانم .) ثابعد از آنکه بدشوارای یکچند قدم برداشت از میان دستهای کفتانها بر زمین افتاد . کفتانها در زیر بغلهای جنرال درآمده هنوز یکچند

قدم نرفته بودند که دیگر يك کلمۀ شرانپل آمده دو کفتانرا نیز مجروح نمود . يك پارچه کله بر قلم پای کفتان (یاشی) اصابت کرد . يك پارچه دیگر از سینه

کفتان (حایاشی) درآمده از مهره کمرش بیرون جهید . کفتان (حایاشی) يك تبسم اضطراب آلودی کرده گفت : (میمیرم !)

« مخاربه درین اثنا شدت ذوام میورزید . در جائیکه این جنرال و دو

کفتان مجروح افتاده بودند هیچ يك نفر ، هیچ يك مدد درسی نبود ؛ این

نقطه خالی و متروک بود ، جنرال (ایایاشی) و کفتان (یاشولی) در حالی که متصل از زخمهای شان خون جاری بود ، در پیش کفتان (حایاشی) که جان میکند از نو بر زمین دعا شدند . و آخرین سخن او را که گفت : (برای میکادو) شنیدند .

• ژاپنها درین اثنا تپه آخرینی را که در پیشگاه موضع دشمن بود ضبط کردند . بر بقله تپه عادتاً یک جاله کله میبارید . مهاجمین از بقله سخت و سرتیز تپه فرو آمده بر بقله دیگر از طرف وادی به پنجالک بالا شدند گرفتند . و بعد از تلفات بسیاری بر خندقهای شکاری روسها که بر آن تپه دیگر بود هجوم برده ضبط نمودند مدافعین به استحکامهای (حولاتون) خورده (۱۰۰۰) متره عقب تر بود رجعت کرده ، و از انجا با جمله استحکامهای (پوتیلوف) مشترکاً بر خندقهای شکاری که ژاپنها آنرا ضبط کرده بودند یک آتش دوزخین اسایی گشادند .

• ژاپنها برای عملیات جدی تدافعی خود هیچ فرصت نداشتند . از اثر و در میان بر فها خود را دفن کرده به انتظار کشیدن مجبور شدند . درینجا اثبات کردن خیلی دشوار مینمود ، به پیش رفتن نیز دیوانه کی شمرده میشد . هیچ کس سر خود را از سپریالا کرده نمیتوانست . روسها مانند کسانی که بر تخته آماج تیر اندازی کنند برین نقطه سیاه یک آتش کشیف و مجتمع توجیه نموده بودند .

• ژاپنها به این وضعیت ، هملک و خوفناک خود بقدر (۱۰۰) متره دورتر از روسها مدت سه شبانه روز در همین جا بماندند . در زیر باران کله شدید متبادی دشمن ، و در مقابل سردی شدید مانچوری این کتله عسکری ژاپان بقدر (۸۰) ساعت مقاومت کرده اند که تصویر و تعبیر دشواری این مقاومت خارج دایره امکانست .

در تول غند نخستین ، غیرک غند خاصه در شب (۱) م مارچ روسها را از (فیند یابو) طرد و دفع کردند ، ولی روسها بازم تا به قتم مارچ در ساحل جنوبی نهر مانده توانسته اند . و درین اثنا در مابین طرفین بسی محاربه ها

یوقوع آمده است .

در عین همین شب غیرك غنڈخاصه (۲) م ، موقع (یالرنیتون) راضیبط کرده اند . اماروسها باز بیک هجوم مقابل اگرچه موقع مذکور را بدست آوردند ولی باز دوم بار ژاپانها هجوم شدیدة خود پس بدست آوردند . و درینبار بصورت قطعی بدست ژاپانها بماند .

در حق این هجوم يك شاهد وقایع . این تفصیلات را میدهد :

« در پیش و پس قریه نیکه روسها در آن تحصن کرده بودند دو خط مدافعه . وجود بود . در روز (۱) م مارچ دیوار خشت پخته نیکه خط اول مدافعه را تشکیل میداد از طرف يك تولى عسکر استحكام ژاپانی با کله های دستکی مخرب شده و هاندم يك كندك بدرون هجوم نمود . ژاپانها وقتیکه در میان خانه های خراب شده در آمدند نمش یکچند نفر رفقای خودشان را که يك روز پیشتر کم کرده بودند در آنجا یافتند .

« همه این نعرهها سراسر برهنه شده بودند ، در بعضی از آنها هیچ اثر زخمی ندیدند . ژاپانها چنان گمان کردند که آنها را روسها بقصد برهنه کرده در خنك انجهداده اند ، در روی و پیشانی بعضی از آنها بعضی آثار زحمهائیکه از نغل موزه حاصل شده باشد پدیدار بود و دیدنهای بعضی از آنها را دیدند که شکسته شده است . « این مسئله در نظر ژاپانها به تحقیق رسانید که روسها در حق این رفقای شان معامله های وحشیانه اجرا کرده اند . ازین خبر بدرجه بقر و غضب آمدند که عقل شان از سرهای شان کوچ نمود ، و هاندم به نیت اینکه همه روس ها را اسیر کنند ، و انتقام رفقای خودشان را بگیرند بیک شدت و سرعت وحشیانه برق آسایی از هر دو طرف ده برآمده بر خط مدافعه دوم روسها هجوم بردند . « این هجوم آنقدر آنی ، و مدتش و غیره منتظر یوقوع آمده بود که روسها

فرست . مقاومت را نیافته به آن طرف ساحل فرار نمودند . لکن بقدر (۲۸) نفر آنها فرصت فرار را نیافته اسیر افتادند .
 « در بنوقت يك منظره مؤلمی بوقوع آمد . عسکرهای ژاپان که بغلیان آمده بودند این اسیرها را از خندقهای شان کشان کشان بر آورده پکان پکان را بقتل رسانیدند .

« قوماندان غبرك غنند بمجردیکه ازین کیفیت خبردار گردید هماندم به محل واقعه شتافته جلوگیری عسکر خود را ازین فعل ناشایسته نمود . و در حق جسارت کنندگان این فعل يك جزای بسیار مدهشی که در نزد ژاپانها خیلی موجب عیب و عار شمرده میشود ترتیب داد . و آن جزا اینستکه : از خط آتش یعنی — خط پیش روی حرب برداشته تا به آخر خط حرب دور انداخت . »

غبرك غنند (۳) وم لوی غنند (۲) وم از دست قول تول غنند [۳] وم سیریا موضع مستحکم غربی دره (قاوتولین) را ضبط نمود . جنرال (فوروپا تکین) برای رهایی یافتن از تهلکه شیکه یکسر از طرف غرب پیش می آمد بر جعت دادن منتهای جناح راست خود قرار داده بر همه قطعه های (۱۷) م و (۱) م قول تول غنند های خود امر داد که یکسر بسوی (موکده ن) رجعت نمایند . این قطعات در زیر قوماندانی جنرال (ده ویت) يك لوی غنند تشکیل داده رجعت نمودند .

◀ وقایع از (۲) وم مارچ تا به (۴) م ▶

در شب (۲) وم مارچ ، فرزه ضرب ، و قول تول غنند نشان انداز مختلط ، و قول تول غنند [۸] م زوسهار جمعیتکه امر شده بود اجرا کردند .

کدامها، وانبارهای ارزاقیکه در (سیا اوسین، مین تین) داشتند آتش دادند. ژاپانیها چون شعله های این آتش زده گئی را دیدند دانستند که روسها رجعت میکنند. لهذا هماندم با جناح راست تول غند (۳) وم، و جناح چپ تول غند (۲) وم خود، روسهارا تضییق و تعقیب نمودند.

در جوار (سیفانتای) در میان لوی غند (۹) م ژاپان، و مقرزه غرب روسها که در حال رجعت بودند یک مخاربه شبانه بسیار خونریزی بوقوع آمد. و در نتیجه کارزار روسها پریشان شدند و در زیر حمله یک دمداری که فدا کردند تابه (ایدیاپو) بر رجعت خود دوام توانستند.

قول تول غند نشان انداز مختلط، و قول تول غند (۸) م نیز از دو ساحل نهر (هون) تا بخط (سوهود یاپو - توتای) عقب کشیدند پیاده قول تول غند (۱۰) هم از (۳) غند عبارت بوده در زیر قومانده جنرال (هرشلمان)، و قول تول غند (۵) م سیر یاد رشب (۳) وم ماه تا بجوار (قازدیاپو) عقب کشیدند، و در وضعهای مستحکم (پاترولیترا) دمدارهای خود را گذاشتند.

در طرف ژاپانها؛ لوی غند (۹) قطعات روس را که از ساحل راست نهر (هون) رجعت میکردند تعقیب کرده در وقت شام (۲) وم مارچ تا بجهت غربی (ساجازا) پیش شده توانستند. جنرال (نوژی) بادیگر لوی غند های خود بر رفتار پیش روی خود دوام ورزیده، لوی غند (۷) م آن بوقت شام بخط (تاشی هینزا - نازی پو)، و لوی غند (۱) م بخط (چاند یاقان - بزین یولو) واصل شد؛ غبرک غند احتیاط تابه (سالین پو) تعقیبات اجرا نمود. غبرک غند سواری (۲) وم تابه [چودیا تا] رسید.

بعد از پیشین از طرف لوی غند پیاده (۲۵)، و لوی غند (شاتیلوف) روس یک تعرض مقابل بر ژاپانها اجرا کرده شد. ولی این تعرض با آتشهای

شدید بغلکی لوی غند (۱) م ، و (۷) م ژاپان که از شمال و جنوب اجرا میشود .
بصورت بسیار شدیدی دفع نموده شد .

لوی غند های (۸ و ۵) تول غند (۲) و م ژاپان بعد از آنکه دمدار
های روس را که در موضعه های مستحکم وجود بودند بشدت تمام دفع و طرد
کردند در وقت شام (۲) مارچ تا بخط (چه و وریو — وویتازی) پیش شده
توانسته اند .

دو غبرك غند احتیاط ، ولوی غند (۴) م بصورت عمومی شهابه آتش
طوب اکتفا . یورزیدند . حرکات امروز بنه لوی غند (۴) م را بخبرایتا
لیایی باینصورت تصویر میکند .

« صبح روز (۲) و م مارچ يك برف بسیار کثیف و لرزانی میبارد .
درین صحرای بی پایان دمه برف مانع دیدن درختان بسیار نزدیک نیز میشود .
مقاله های مجروحین از (سانده پو) و دیگر قریه هادر آمدن بود . بر میدان
سفید يکه در پیش انظار مآتمادی داشت زئیل و الاهاوز نیلهامانند يك خط
مستقیمی بدیدار بود .

« برف ، آثار خرابی و وحشت میدان محاربه راستر میکرد ، و هر خرابی
و اسراژ نو تنظیم میداده ، و سپرهای خراب و متروک شکاری را بایک چونه کاری
سفید نرمی یگرنگ و یکسان میساخت ، و بر نعشها شیکه میان خندقهارا پر
کرده بود يك کفن سفیدی پوشانیده هر چیز را از نظر تجسس ستروپنهان
میکرد . دست شفقت طبیعت خرمنهای کشته گان را باخرمن خرمن کفن
نخل سفیدی میپوشانید ، و از میان بچهها و شکنهای این کفن اشکال ، قتلین
بیکصورت مبهمی بدیدار میگردد . و بعد از یکچند ساعت که باریدن برف
شدت میکرد آن هرج و مرج مردگان یکسان شده در آن عالم متروک و مبهمی

تغیر از دستهای خون آلودی که بسوی سما بالا بود دیگر هیچ چیزی دیده نمیشد. «
 « سانه پوه در میان علوها و شعله ها در احتراق بود ، و در اطراف
 (چانتان) محاربه بکمال شدت دوام میورزید ، لوی غند (۴) م نیز درین
 حوالی محاربه میکردند .

« بعد از پیشین قوماندان غیرک غند چپ این لوی غند (۳) کندک خود
 را بر هجوم سوق نمود ، این کندک ها بعد از (۶) ساعت در میدان محاربه بسیاری
 از رفقای خود را ترک کرده واپس عودت کردند . زیرا دشمن خودشانرا
 خوب مدافعه میکردند .

« بعد از آن بر هجوم شبانه قرار دادند . یک غند که سر از نو تشکیل یافته
 بود هجوم حقیقی را اجرا میکرد ، در عین زمان سه تولی پیاده ، برای جلب
 کردن نظر وقت دشمن را بدیگر طرف ، از جهت غربنمایش اجرا میکرد .
 « امشب خیلی تادیکی تیره درونی بود . ساعت دوی شب بود که غند
 مذکور خندقهای شکاری خودشانرا ترک کردند . و بقدر (۳۰۰) متره در پیش بر
 زمین خوابیدند ، و در زیر آتش خفیف دشمن به جریان احوال منتظر ماندند .
 « سه تولی که برای اجرای نمایش مامور بودند و قتیکه بجناح روسها واصل
 میشدند ، و صول خود را با سه فیر متصل آتش تفنگ به دیگر افراد غند
 اخبار میکردند .

« یکی بکبار از طرف ضرب بصورت بسیار واضح . و نیز سه فیر متصل آتش
 تفنگ عکس انداز گردید . اینستکه بار و له شیکه به آن انتظار کشیده میشد همین بود .
 لهذا افراد غند سر نیزه های خودشانرا بر تفنگهای خودشان سوار کرده به بسیار
 بصیرت و احتیاط به پیش شدن آغاز نهادند ، و از طرف قوماندان غند بر افراد
 نسیه شده بود که هیچ سخن نگویند ، و هیچ تفنگ نیندازند .

« اینست که این خدعه حرب نتیجه موفقیت بخشید، روسها گمان بردند که ژاپانها با قوای عظیمه خود حرکت احاطه اجرا کردند، و از آنرو به آنها نظر فربه تولى توجه انظار دقت کرده بهمانسو آتش کردن گرفتند، و از وجود غنچه که بی صدا و بی ندا لحظه بلحظه به آنها تقرب میکردند خبردار نشدند. و سابه های سیاه سیاهی را که از میان دامنها و شبکه های سیمی میگذاشتند اصلا فرق نکردند. بودند. « یکی یکبار بمهای دستکشی ژاپانها بيك ولوله هول انگیزی اشتعال نمود، و در عقب آن دقعه بمها جمله هزارها نفر سپرهای استحکام غلطیدن گرفت. در هجومهای شب افسران ژاپان بر افراد معیت خود تنبیه میکردند. که دایما بر آسمان بلند بالای قوی جبهه آتش بکنند. زیرا در میان ظلمت شب سیاه و او بیغورمه اشخاص فرق و تمیز نمیشد که دوست اند یا دشمن و وظیفه علاءت قارقه دشمن و دوست را بزرگی و کوچکی جبهه نشان میداد. اما چون تاریکی شب بدرجه بود که بزرگی و کوچکی جبهه نیز معلوم نمیشد، از آنرو ژاپانها ایمان فریاد میکردند که: (ته کی قا، میقاتا قا؟) یعنی — آیا دوست است، یا دشمن؟ و زمان بزمان صدای های « میقاتا، میقاتا، » شنیده میشد.

« آخر الامر روسها بيك حال پریشانی تمام فرار کردند. درین وقت برف میبارید؛ (چایتاخو) با نمشها مالامال بود و بيك حال خرابه زاری را گرفته بود. از مجروحین کسانی که به سردی طاقت داشتند بقرارگاه فرستاده میشدند. اکثر ژاپانها دوسه زخم برداشته بودند. حتی به بعضی هفت زخم و هشت زخم نیز تصادف میشد.

« شش ساعت آخرین محاربه برای سلاحهای روسها سر اسر غیر مساعد شده بود. زیرا (سیفانتای، چانتان، پای تاچو) ضبط شده بود. ژاپانها در مقابل این موضعهای قوتمندی که غیر قابل تسخیر شمرده میشد بقدر چهار ماه متبادلاً

انتظار کشیده بودند. حالا آنکه درینوقت این موضع های مستحکم، و قریه های
بسیاری در پی دیگر سقوط میگردند.

« بوقت پیشین، بر (چوچانتای) هجوم برده شد. اما پیشدارها خبر دادند که
روسها قصبه را آتش زده رجعت کرده اند. فی الواقع از سرهای خانه های ده دود
های کثیفی میبرآمد، و این دودها بسرعت کسب ظلمت و کثافت میکرد. لحظه
نگذشته بود که از میان شاخهای خشک درختان ده شعله های نخستین آتش زده
کمی پدیدار گردید.

و قتیکه ژاپنها بسوی این ده پیش می شدند. دفعتاً از زیر پای شان يك اشتعال
مدهشی بوقوع آمد بسیاری از عسکرها بيك قوه دفعیه مدهشی بر هوا شدند.
مگر این يك نقب ترتیب کرده روسها بود که بشدت تأثیر آتش زده کمی
بر هوا گردید.

« ژاپنها و قتیکه در قصبه داخل شدند آنرا بحال يك بحر آتشی یافتند در
میان این صحرای وسیعی که بایرف مستور بود، منظر نیکی این جریق بزرگ
نشان میداد، هیبت و مصیبت انگیز تر از آن يك منظره تصور نمیشد.

« ساعت (۲) بود که طوفان برف منقطع گردید. سهار و بصافی نهاد. کندک
های دشمن که یکسر بسوی (چوچوتون) بحال رجعت بود دیده شدند. درین
اثناء فریره ژاپنی فریاد برآورد که: (میته کیته، میته کیته) یعنی - دشمن، دشمن.
« مگر بقدر (۴) کیلومتره دورتر کثیف و آرام يك قول روس که در حال
رجعت بودند اگر چه بچشم خوب دیده نمیشدند. اما بدور بین و واضحتر و عیانتر دیده
میشد قطعه های پیاده بلوک بلوک جدا شده بود که عدد این بلوکها تخمیناً ده کندک
بتظر میآمد. در پیش روی این بلوکها، خیلی عریض و طویب میرفت. اینها
قطعاتی بودند که در ساحل نهر (هون) مغلوب شده و حالا بحال رجعت بودند.

« غنڈك های ژاپان که بر (قوچا جو) دانه های تخریب میآنداختند طوپهای خود را بسوی این فراریها دور داده به انداختن شرانپل را غارت نهادند. بعد از یکچند دقیقه نخستین دانه شرانپل از قوله روس خیلی به اینطرف کفید. رفته رفته طوپ چیهای ژاپان مسافه را افزونی داده انداخت خود را تنظیم دادند. و سر ازین وقت بمباردمان هیچ فاصله پذیر نشد.

« قول روس در زیر آتش طوپ چئی ژاپان بر رفتار رجعیه خودشان دوام داشتند. گاه گاهی در صفها خالی جاها و سگته ها بوقوع میامد. اغلب احتمال این بود که مجروحان را بر میداشتند. این کله ریزی را فراریهای روس يك حادثه سماوی. مقتدری شمرده در میان این میدان هلاک مستر یحانه و متوکلا نه بر رجعت خود دوام میورزیدند.

« قوت روسها که در (قوچا جو) بود نیز قریه مذکور را ترك کرده بر رجعت آغاز نهادند. دو کتدك ژاپانی به قدمهای دویدن از جهت شرقی ده پیش رفته رجعت روسها را به انهمزام و پریشانی گرفتار آوردند. روسها دیگر ده ها را نیز خالی کرده میرفتند، و در زیر آتش طوپ چئی ژاپان بصورت درهم و برهم فرار می کردند.

« آفتاب درین اثنا غروب کرده بود. قولهای رجعت کننده روسها که از طرف طوپ چئی ژاپان در زیر آتش شدید گرفته شده بودند در میان تاریکی شب از نظر نهان گردید. گویا ظلمت لیل بشفقت آمده این فراریهای بیچاره و پریشان را در زیر حایه خود گرفته بود.

« آتش طوپ در هر طرف منقطع گردید. غنڈك ها برای آماده شدن بحرکت شفق را انتظار میکشیدند. شعله های حریق قریه ها و ده ها در هر طرف افق حجرای سفید يك چراغان آتشی تشکیل داده بودند. زمان بزمان يك غیر

آتش تفنگ شنیده میشود .

پیش ازین گفته بودیم که تول غند (۴) و ژاپان امر هجوم را بر جبهه روسیه گرفته بودند تا آنکه فرصت امداد رسانیدن قوت را بجنبناحهای خود نیابد. اما قطعات ژاپان بمقابل موضعیهای بسیار قوتمند روس خیلی کم مسافه قطع توانسته بودند و بوقت شام خود را بموضعیهای روس نزدیک کرده بودند . مخاربه بورد شب نیز منقطع نگردد دیده بود .

آمدیم بر تول غند نخستین لوی غند خاصه تول غند خاصه ، باغبرک عند خاصه امروز نیز در جنوب (شاحو) بماندند ، لولوی غند (۱۲) هم شهر را گذر کرده موضعیهای (چانهزای) روسها را ضبط کردند . كذلك غبرک غند (۳) و لوی غند (۲) و دو استحكام دیگر روس را در شرق دره (قاو تولین) بود ضبط کردند . آمدیم بر تول غند (۵) هم ژاپان در وضعیت تول غند پنجم هیچ پاش تبديل اساسی بوقوع نیامده است .

آمدیم بر تول غند (۳) و جنرال (نوژی) : بشایر تعرض ، قابل روسها که در (۲) مازح اجرا کرده بودند جنرال (نوژی) تار سیدن لوی غند (۹) م تول غند (۲) انظار کشیده روز دیگر که لوی غند (۹) م مذکور رسید در مقابل خود قول تول غند (۸) م روس را یافته قول تول غند مذکور روس بدون مخاربه رجعت کردند . اما در (سالین پو) لوی غند (۲۵) . پیاده روس ولوی غند (شا تیلوف) روس بیک مخاربه جیدی قیام ورزیده بعد از بیک مجادله خون ریزانه بیک مغلوبیت و انهزام بسیار فلاکت آوری دو چاری آمدند و تا به استحكامات ضربتی (موکدهن) بصورت بسیار پریشانی فرار نمودند .

آمدیم بر تول غند (۳) و جنرال (اوقو) در ساحل جنوب نهر (هون) بر حرکت (شی حرخ) خود دوام ورزیده ، و مدارهای روس را بگمان

یگان دفع کرده میرفت .

از هجومها نیکه تول غند (۴) م بر جبهه اجرا کردند تا بحال يك نتیجه قطعی حاصل نشده بود . غبرك غند جنرال (ایماشی) مجروح بکمال شجاعت بر تپه (بوتیلوف) بر هجومهای خون ریزانه مهلکه خود دوام میورزید از طرف دیگر غبرك غند جنرال (اوتامی) که بهمین لوی غند تول غند (۴) م منسوبست نیز بهمین شجاعت و دلاوری محاربه میکند .

احوال امشب غبرك غند (ایماشی) را یکی از خابریین باینصورت نقل و حکایه میکند :

« نیم شب بود که افراد غند جناح چپ غبرك غند (ایماشی) که يك کتدك از آنها در موضعی که گرفته بودند در زیر قومانده کرنیل (تاقافورا) میبودند . درین اثنا دیدند که يك سپاهی به سوی شان میاید ، و صدا های یای هم بگوش شان بر خورد چون مسافه نزدیک بود سپاهی مذکور را عسکر خود گمان کرده او از دادند که : (طاره وا) یعنی — کیستی ؟ از طرف ، قابل بر باز و پائی او از آمد که (میقاقا) یعنی — درست ! ژاپنها بشبیره افتاده تفنگهای خود شان را بسوی تاریکی توجیه داده منتظر شدند . اما بر آتش کردن جسارت نورزیدند .

« سایه ها نزدیک شده میامدند ، یکی یکبار در ظلمت و سکونت شب صداهای (هوررا) عکس انداز گردید . مگر بکچند طاوور روس با سر تیزه پر کنندك ژاپنی هجوم شبخون آوردند . در طرف يك آن يك مجادله مدعشی بوجود آمد ، بجز صداهای ضربه های سر تیزه ، و تیغ و خنجر و آه ، و این وصیحه های جانخراش دیگر چیزی شنیده نمیشد .

« بعد از کمی ژاپنها در مقابل قوای فایقه دشمن مقاومت نتوانسته و بسی مجروح و مقتول و همه اشیا و لوازمات خود را ترك کرده رجعت نمودند .

« روسها درین موقعیکه ضعیف گردیدند بماندند و شترلسرایان از کوردند و اشیاء
اسباب ژاپنها را روی هم ریخته و پترول بران افشانده آتش دادند. ژاپنها از دور
این حال را مشاهده میکردند، و چون دیدند که بجز وحان و مقتولان ژاپنی را نیز در
آتش می اندازند تاب و طاقت نیاوردند. مقدار باقی مانده جزوی کندک مذکور بیک
شجاعت و مقاومت شکن هزاره بر روسها حمله آورشد، و آنچنان یک مجادله
شدیدی نمودند که تصویر آن بیان نمی آید.

« حال و وضعیت ژاپنها تهلکه ناک ضایعات شان از حد افزون بود. افسران شان
بچار نفر تنزیل یافته بودند. در دیگر کندک این نغند نیز تنهاسه نفر افسر مانده بود
قوماندان نغند نیز مجروح شده بود. و بی هم امداد میطلبید.

« نهایت یک کندک ژاپنی به قدمهای دویدن به امداد رسید این کندک
که با کلاه های دستکی مجهز بودند بر روسها هجوم بردند، صداهای مدهش کلاه
های دستکی که بی هم اشتعال میوز زید بیک عکس صدای دگر آشنانه دروا
د پیاوردند. عکس انداز میگردید. آخر الامر روسهایی تاب و بی طاقت شده
به استعجابهای خود رجعت کردند.

« هنگامیکه فجر دمید، دیده شد که خرمن خرمن نعشهای روس و
ژاپان میدان محاربه را استرو پنهان ساخته بود. سردی هوا از خمیها را بی هم
میکشت. آه ها، واینها، و نالهها، و فغانها از هر طرف بالا میشد ژاپنها
نعشهای مقتولین را سپر ساخته در عقب آنها میخزیدند.»

از (۲۶) فیروزی به اینطرف (۴۰۰) نفر از افراد استعجاب ژاپنی در شمال
شرقی موضع (فالنشان) روس، بقدریک کیلومتره دورتر در عقب یک عارضه
زمین به تأسیس دادن سپرهای شکاری مشغول شده بودند. تا به (۲) مارچ
این خط که استنادگاه هجوم را تشکیل میداد، تدریجاً توسیع و تقویه شده نهایت

«تا بجای که نظر کار میکرد کتله های متحرک ، خر ، نه های انسان ، صرا به ها
اسپه ها دیده میشد ، و در میان اینها بر قهای سر نیزه ها و سلاح های عسکر
چشمها را میدرخشاند .

«برف زایل شده بود . بر هر وجه خالک نقشهای قدم ، و اثر نعلهای بارکشها
و خطهای صرا به ها دیده میشد . در هر طرف اسبابها و اشیائی که انداخته شده بود
بنظر بر میخورد مثلا بالاپوشهای پوستیندار قزاقها ، با کتلهای کارتوس ، یوط ،
موزه ، سپرهای شکاری که کنده شده و نیم کاره مانده ، و بیل و کلنگ ، و سلاح صفت
صفت در میان آن سپر ها دیده میشد . و ازین يك معلوم میگردد که روسها بنا بر
مقصدیکه حرکت شان سهولت یابد این اسبابهای خودشانرا انداخته اند بالاپوش
های سمور دار خود شان را با وجود سردی هوا از دوش انداخته حتی موزه
های خوردشان را نیز از پا کشیده بر اراضئ منجمده پای لخت رفتن را ترجیح
کرده بودند .

«گاه گاهی که این سیلابه عظیم بشریك مانع پیش میامدند ، مثلا يك ده
استحکمی که هنوز از طرف یکچند نفر عسکر مدافعه میشد ، و یا بيك سپر شکاری
پیش میامدنی انکايك لحظه توقف کنند آن مانعه هارا با مال کرده میگذاشتند .
ژاپنها علی الاکثر بيك طوپ خانه خود را بسرعت پیش رانده ، و بچابکی اخذ
موضع کرده در میان صفهای آخرین فرارها کله باری میکرد .

« روسها مرده کان خود شانرا دفن نمیکردند ، و از بسکه در فرار سرعت
داشتند تنهایك تخته چوب صلیب داری بر سر آن مرده کان بر زمین خلائیده
و نام مرده را با بيك قلم سرپی بر آن نوشته اکتفا میورزیدند . رفته رفته سرعت
فرارشان بدرجة رسید که برای اینهم فرصت پیدا نمیکردند . بعد از بيك کم وقت
برای مجروحین نیز عین همین حال بوقوع آمد . و قتیکه دشمن نزدیک میشد مجروح

جان تروک و لرزان، و از خوف و اضطراب خودشان ناآلان میخزیدند. در سیما
های شان آثار خوف و حیرت نمایان، و بچشمهای حیرت نشان خود بظرف
ژاپانها نگران میبودند.

«کندکهای ژاپان بیک سکوت و سکونت باعترسی رفتار داشتند. نقرهادر زیر
یکس پشته کئی خودشان یک کمی خم شده، و رویهای شان در خاک و دود غرق گشته
و انظرهای خود را بر زمین دوخته با قدمهای یک نسق و آرام خود متصل به پیش
میرفتند. اینها عادتاً بیک ماشین چانداریکجنسی تشبیه میشدند.

«بجز دیکه امر (دریتر) یعنی نایست داده، میشد عسکرها هماندم بر زمین میخواب
بیدند، و هماندم بخواب میرفتند. ایحال به آنقدر یک سرعتی واقع میشد که گمان
میرفت که کندکها همه محو و زایل شدند. افرادی آنکجا جاهای خصوصتی انتخاب
کنند بی تکلفانه و بهم آمیخته خواب میکردند. یکی دستهای خود را بر دیگر رفیق
خود دراز میکرد. موزة دیگری خدمت متکای دیگری را بجای آورد.
«از دیگر طرف صرابهها، و عندک، و صرابههای چینئی که از دشمن گرفته
شده بود، یا آمده اردوگاه به اینچیزها کسب جهات میکرد اسپههای مانده شده کر
دتهای خودشان را بر همدیگر تکیه داده آرام میکردند، در مابین پاهای اسپهها و صرابه
ها افسران و طوپچیان بخواب میرفتند. علی الاکثر نعلشهای مقتو این روس نیز در
میان این کتله غیر متجانسه، وجود میبود. عسکرای ژاپان در پهلوئی آنها
بکمال بیغمی میخوابیدند.

«از دور صدایهای طوپها طنین انداز میشد، فاصله آتش خیلی کم بود.
درستوقت امرهای نو توزیع میشد. عسکرها یکی یکی دیگر بیدار میشدند و از
زمین برخواسته صف می بستند. آخرترین خبرها از دهن بدهن انتشار می
نمود. این خبر این بود که: (روسها این تا میچو) را خالی کردند.

« همه‌ده ها میسوختند. از صحرایک ابر گردود مدیدی بر میخواست
این گردوغبار قول اوبوسهای جسمی بود که از بومباردن (چانتان) می
آمدند . »

تول غند (۴) ژاپان باقطعات لوی غند (۵) م در جنوب تهر خون بر
تعرضهای خودشان دوام میور زیدند .
بسبب عقب کشیدن قول تول غند (۵) م سیریا در مابین قول تول غند مذ
کور ، و قول تول غند (۱۷) یک جا خالی بزرگی بعمل آمده بود . قومندان
قول تول غند (۱۷) هم برای بر کردن جا خالی مذکور ساعت (۹) شام
امر داد که واپس کشیده انجارا بر کنند . اما بعد از (۳) ساعت جنرال از
قرار خود نکول کرده باز به برگشتن امر داد .

روز (۴) م مارچ یک روز خون آلودی برای لوی غند (۴) م ژاپان گردید .
تول غند (او قو) در حالتیکه بحركات ، مظفرانه عقب گیری دوام میور زیدند .
لوی غند (۴) م بیک مقاومت مایوسانه دشمن تصادف نمود .
لوی غند (۴) م برد و قول رفتار داشت . در راست غبرک غند (هایشی)
در چپ غبرک غند (حوناغا) وجود بود . در راه به بسیار نفرهای قراول
ساخته گی روسها تصادف کردند . که بر چوبها کلاه ها و بالاپوشها پوشانیده
مانند مترسها برای بازی دادن پیشدارهای ژاپان در پشت خندقها ایستاده
کرده بودند . مخابر باینصورت بیان میکنند .

« ساعت (۶) غبرک غند (حوناغا) بحرکت آغاز نهاد . هنوز تاریکی
بود ، خنک هم شدید بود ، اما باد نبود . ساعت (۸) خطهای پیش بقدر
(۱۵۰۰) متره نزدیک شدند .

« در موضع روس سکوت و سکونت بر کمال بود . ساعت (۱۰) نخستین

فیر آتش متصل صدا کرد. و یکچند نفر مجروح افتاد. بعد از آن آتش تفنگ از هر طرف و لوله انداز دهشت گردید. آتش روسها خیلی مؤثر بود.

بعد از (۳۰) دقیقه که هجوم آغاز نهاد، خط نخستین هجوم سراسر محوشده بود. قوماندان غبرک غند آخر الامر هجوم خود را توقیف داده از جهت شمال و جنوب بر هجوم امر نمود.

یک روز لطیف و صاف زمستان بود. هدفها بخوبی فرق و تمیز میشد. قسم اعظم آتش طوپچی بر (شالینچو) توجیه شده بود. در قریه (شالینچو) که محصنکاه روسها بود بر سر یک خانه یک بیری روسی نمودار بود که علامت اقامتگاه جنرال روس بود. ژاپانها بادو کله طوپ این خانه را در میان دودها و غبارهای اتهدام غرقه نمود. در اطراف یک تلاش و پریشانی بزرگی دیده شد، و علامات فرار در افراد روس پدیدار گردید. بادوربین میدیدیم که سپرهای روس چسان با کله های طوپ بر هوا میشد.

یک کله طوپ ژاپان بر یک طوپ روس اصابت نموده طوپ را پاره پاره نمود. طوپچیها بفرار آغاز نهادند. در وضع روس پریشانی و پراکنده گی سرزده ظهور گردید. شعله های حریق که علامت رجعت است از میان خانه های قریه پدیدار گردید.

« غبرک غند (حوناغا) قریه هایی را که از طرف دشمن ترك شده بود استیلا نمودند. ژاپانها یکچند تفنگ ماشیندار و صد ها تفنگ یافتند. ساعت (۴) بود که صداهای سرتکارانه (بازای، بازای) عساکر ژاپان بفلک پر شد. حتی مجروحین نیز به این سرور عمومی اشتراك میورزید.

« ضایعات ژاپانها عبارت از (۴۰۰) نفر بود.

« آمدیم بر غبرک غند (هایاشی)؛ جنرال (هایاشی) بموجب امر یک

گرفته بود بوقت صبح بحرکت آغاز کرده بکمال سهولت قریباً (شیبجو) را که در زیر اشغال يك ، غرزه خفیف روس بود استیلا نمود . اما روسها در پنجابنابر فکر مخصوصی ، مقاومت نکردند . زیرا در جوار (لاشیبجو) يك طوچچی بسیار قوتمند شان در يك موضع پنهانی بسخو کرده بودند ، و به انداختن مهیا نشده بودند . ژاپانها بجزردیکه از قریه برآمدند (۶۰) قطعه طوپ روس بیکبارگی بران ها آتش کردند . این آتش بر قریه يك تأثیر بسیار مخوف و مهلکی اجراء نمود . ژاپانها دانستند که روسها در زیر حمایت این آتش طوپ بيك هجوم شدیدی آغاز خواهند کرد .

ه فی الواقع قولهای کشف ژاپان خبر دادند که يك کنده ، مظلم و تیره از دور به اینطرف در حرکت میباشد ، بلی ، روسها به هجوم آغاز کردند . قریه (لاشیبجو) مانند دیگر قریه های چین با يك دیوار خشت بخته محاط بود . ژاپانها بچابکی تمام باسرنیزه های خود در دیوارهای ، مذکور تیر کشها کشیدند و بکمال استعجال در جا های لازمی خندقهای شکاری کردند .

« روسها بزودی تمام تیرهای کشنده می رفتند ، چون به (۲۰۰) متره نزدیک شدند ، ژاپانها خینی ، وژر ، مدعش ، کثیف بيك آتش کشادند ، در ظرف یکدو دقیقه خط نخستین روس محو کرده شد . این خط چون از نظر زاین شد جسمهای سیاه سیاهی بر روی هم غلطیده دیده شد .

« بعد از آن خطهای دوم ، سوم هجوم کردند ، اما این دو گندك نیز که بقدر (۱۰۰) متره به تیرد یکشدن موفق شده بودند در مدت بسیار جزوی کاملاً ناپدید گردید . باقیانده گان بسرعت تمام بقدم دریدن بفرار و نهادند . « در نیمحاره به از ژاپانها (۸۰۰) ، و از روسها (۱۳۰) سگ خنای شدند . « سها با بر های مظلم پوشیده شده بيك شب بسیار تاریکی جهان را فرا گرفته

بود . ده های همجواری در میان شعله های آتش مانده همه افق يك حلقه آتشی
شده بود . در هر طرف زنیل و الا های خسته خانه با چراغهای خیره
مجر و حین را جستجو میکردند . و چراغهای کوچک الکتریکی برای تبلیغ
کردن اوامیر ، و نقشه حاضری فردا در لاله نشانی بود . «

امروز در تول غند های (۱ ، و ۵) م مخاربه هائیکه شایان ذکر باشد
بوقوع نیامد . غبرک غند خاصاً (۲) و م تول غند نخستین به هجومهای
مقابلی که دوچار شده بود با وجودیکه بضایعات کلی دوچار شدند ولی باز هم
در شمال ساحل نهر (هون) ثبات کرده و موضع خود را خیلی تحکیم کرده اند .
تول غند (۵) م از خطی که در (۱) م مارچ به آن داخل شده بود به پیش
رفتن کامیاب نیامده بود . لهذا از قرارگاه عمومی در (۵) م مارچ برای تول
غند نخستین امر رسید که برای سهوات بخشیدن تعرض تول غند (۵) م یکسر
بسوی شمال شرقی حرکت کند .

امروز جنرال (قوزویا تکین) بر قطعات تول غند (۳) و م ، و (۴) و م
ژاپان که از طرف غرب بر (موکده ن) پیش می آمدند تعرض کردن را
قرارداد . و بر هر طرف برای این ترتیبات اوامر تبلیغ نمود . اما کیفیت
تبلیغ اوامر بخوبی تنظیم نشده بود که از آنرو قول جناح راست بوقت صبح
موعود هنوز بخوبی بدرستی برای هجوم حاضر نگردید ، بود . و بعد از پیشین
مجمع آمدن موفق شده از آنرو در (۵) م مارچ بر تعرض متصوره خود
کامیاب نیامد .

حالا که ژاپانها از روسها خیلی بیشتر تشبثات خود را بکار بردند . در
وقت صبح بسیار تاریکی روز (۵) م مارچ ، قسم کلی لوی غند (۸) م ، و
(۵) م ژاپان بر فتنار پیش روی آغاز نهادند . فرقه (۵) م روسها را که در شمال

نهر (هو نهو) موضع گرفته بودند از موضعیهای شان طرد و دفع کردند .
این نتیجه چون حاصل شد ، رو سها بخوف افتادند که ژاپانها موضع شانرا
از میان بدو نیم خواهند کرد . و از اینسبب تعرض متصوره شان بتأخیر افتاد .
تول غند (۳) روز امروز یعنی پنجم مارچ را به تنظیم دادن محلهای
قطعات خود گذرانید . و این حرکات او بکمال موفقیت بلامانع و به سکونت
تمام اجرا گردید .

تول غند (۴) م نوزو ، امروز بر تعرض و هجوم تپه های مستحکم و
مختمع التسخیر (پوتیلوف) و (نوورغورد) قرار قطعی داده ضبط و تسخیر
کردن آنها را جدا تصمیم نمود . و به اینسبب از غرب بسوی (شان جو بو)
پیش آمده در وقت شام (۵) م مارچ پیاده های خود را بمسافت (۶۰۰) متره
بتوضیهای دشمن نزدیک ساخت این حرکت پیش روی در شب (۵) م مارچ
بسهولت اجرا گردید .

در روز (۶) م مارچ ژاپانها تپه (پوتیلوف) را ضبط و استیلا کردند .
در باب کیفیت ضبط و استیلا تپه (پوتیلوف) این تفصیلات را مختصرین حرب
بیان میکنند :

• در روز (۶) م مارچ در عقب موضع روسها دودهای بسیار کثیف
و مغالمی بلند میشد ، هیچ شبیه نیست که این علامت رجعت بود .
• امشب ژاپانها بر استحکامات (حولاً تون) بربیک هجوم شدیدی قرار
دادند ، خط اول پیشترین خود را نزدیک نیمشب تقویه کردند . آتش رو
سها آنقدر مؤثر نبود ، در نیمشب بحرکت پیش روی آغاز نهادند . پات قطعه
عسکر استحکام بعد از آنکه نشان موجود خود را غایب کردند از میان دامها و
شپکه های سیعی بگشادن یک راهی کامیاب شدند .

« ضعیف شدن ، مقاومت دشمن ظاهر و آشکار بود ، بوقت صبح ساعت (۲) همه استحکامات اطراف ضبط گردید ، درینوقت از هر طرف صدا های قوی آمدند ، قوماندهای ژاپن که (سوزومه!) یعنی — (زرزاول) شنیده میشد ، اما تپه (پوتیلوف) انقدر قوتناک بود که هجوم بردن روز را بر آن بخیال و خاطر هم نباید آورد ، فی الحقیقه تپه پوتیلوف با وجودیکه دیگر استحکامات اطراف آن سراسر ضبط هم گردیده بود باز هم تا بحال خود را مدافعه میکرد ،

« برای باز کردن راه در شب قطعه ها سوق کرده شد ، در زیر آتش تفنگ های ما شینداز این قطعه ها نیم قوت موجود خود را ضایع کردند ، اما چون همه غیرت کنند بیکباره گوی به اجرای صولت آغاز کردند بغله های پر سنگلاخ تپه در یک آن با آنها جینی که سینه کش بر آن بالامیبر ، آمدند مستور گردید ، ژاپنها بعد از آنکه شنیدند قریباً در سپرها را گذارند با یک طرفان تهبجات در میان رود و تنها شیکه روسها ترک کرده بودند خود را انداختند ،

« در میان سپرها شیکه پهاوشده بود ، و گوسنگهای که پارچه پارچه شده بود خوبهای شکسته ، و تفنگهای مانین دار پاره پاره شده ، و نمشهای مقتولین شیکه شیکه شنیده میشد ،

« صبح دمید ، بر سر زور و پانصد تپه (پوتیلوف) یک بیرق (شمس طالع) ژاپنی موجزن مهابت گردید ، درینوقت یک صدای مهیب و مدید (باتزای) در اطراف و انکشاف عکس انداز شد ،

« بگریه ایست الاعر غیرت کنند (ای یاشی) تپه (پوتیلوف) بمنع التسخیر و ایفدا کردن جا نیا ضبط و تسخیر کردند ،

آمدیم بر غیرت کنند (۳) م لوی شنیدند تپه (پوتیلوف) را ضبط کرده : این غیرت کنند که در زیر قومانده جترال (واتامی) بود ، بسبب سعیها و فداکاریهای بیهوده

شیکه در (۳، ۴، و ۵) مارچ اجرا کرده بودند اسروژ بیتاب و طاقت مانده بودند . هم عسکرهای روس و هم عسکرهای ژاپان بیتابانه بخواب رفته بودند ، هیچ صدای تفنگ از هیچ طرف شنیده نمیشد . درینوقت نوبت آتش به طویچی آمده بود . در میان عساکر ژاپان که در زیر آتش طویچی دشمن خوابیده بودند ضایعات خیلی زیاده بود . در یک قریه شیکه مسافت (۲۵۰۰) متره در جنوب (یوشاتون) موجود بود در پشت یک دیوار جنرال (اونامی) با افسران معیت خود نشسته بودند . در تجا در هر بیست دقیقه یکبار یک آتش متصل شرا نیل همی ریخت . یک کوی به انسویریق صلیب احمر افراشته شده بود که این محل خسته خانه بود . دو کتور ها ، و معاونان با دانه های شرا نیلی که از طرف دشمن بیامد زخمی میشدند . مجروحین نیز زیاده تر مجروح میشدند . مع هژاد و کتور ها بکمال سکوت و آرامی بر کار خود دوام میورد زیدند .

در پشت دیوار ده یک محینه جالب دقی مشاهده میشد . هر مجروحی که از خط محاربه میامد ، بمجربدیکه قوماندان غربک نمند جنرال (اونامی) رامیدید هاندم وضعیت عسکری خود را گرفته ، و راسمه احترام را بجا آورده بسو الیکه از طرف قوماندان پرسیده شود منتظر میماند . مجروح ، اگر افسر میبود به نزدیک جنرال آمده و راسمه احترام را بجا آورده در حالیکه از دشمن خون در جریان میبود در باب حال و وضعیت حربیه بیان معلومات میکرد . جنرال اگر چه میگفت : « بسست ، تشکر میکنم ، چابک بروید زخم خود را به بندید . » باز هم مجروح همه تفصیلات خط حرب را که موجب فایده برداشتن جنرال باشد فرادوش نکرده همرا یگان یگان بیان میکرد .

امشب یعنی — شب (۵) م مارچ روسها بیک هجوم مقابله برخواستند که مقصدشان ازین هجوم پنهان کردن رجعت شان بود . ذاتاً رجعت کردن رو



سپاه عالی و از آتش کردن شدید ولی بی تأثیرشان معلوم می‌شد .
 در صبح روز (۶) م مارچ از استحکامهای (لوشیا تون) اینچنین
 یک بار آتش کرده می‌شد . بوقت پیشین شدت آتش سراسر تخفیف یافت .
 درین آتشها (ایما یاشی) بر (حولاتون) در هجوم کردن بود . بساعت یک
 شب از لوشیا تون یک انداخت شد تا کی شنیده می‌شد . مگر این نشانه حیات
 و مقاومت آخرین دمدار روس بود . بعد از کمی از طرف ارکان جریبه جنرال
 (نوزو) امر آمد که از (شاخو) گذشته یکسوی (فانتشان) پیش رفته شود .
 دشمن بحال رجعت نام بود . بعد از غروب آفتاب میدان محاربه خالی و
 متروک و همه قریه های سوی شمال در میان علوها و شعله ها مستغرق مانده بود .
 صبح روز (۷) م مارچ تا از بسیار دور جاها کوتاه اما بسیار شدت تا
 آتش تشنگ شنیده شد . بساعت (۱۰) این صدا از بسیار دور تر جاها عکس
 انداز می‌شد .

از (فانتشان) هم گذشتند . محاربه درینوقت به (موکدهن) نزدیک
 می‌شد . استحکامهای تپه (پوتیلوف) و (حولاتون) و (لوشیا تون)
 که از هفت شبانه روز در اطراف آن محاربه های خونریزانه دوام کرده بود و
 موجب تلفات عظیمه شده بود درینوقت در عقب ، متروک و تنها ماند ، و در
 میان و لوله و هیجانهای محاربه های نوی که بعد ازین بمیدان می‌برآمد سراسر فرا
 روشن شده رفته بود .

آمدیم بر نوی (۴) تول غنند (۲) م جنرال (اوکو) : حرکات روز (۵) م
 مارچ لوی غنند ، مذکور در یکی از مخا برین حربیه به اینصورت تفصیل میدهد :
 بعد از جنگ و قتال ، عند آنکه در (لاشیمپو) بوقوع آمد ژاپانها
 استراحت گزین نشدند . از سر رود و در تها بر جهیده یکسوی پیش حرکت

دوام ورزیدند . شعله های ده های محروم و قبک در اطراف بود برای غیرت غند
(هایاشی) در ظلمت شب خدمت مشعله داری را ایضا مینمود . مقاتله
شیمپو) فراموش شده بود . درین وقت هر کس به افکار محاربه هائیکه بعد ازین
بوقوع می آید مشغول بودند .

« بساعت (۸) شام به یک دهی که (۳) کیلومتره بیشتر بود بیامدند .
ده سراسر متروک و خالی بود . در میان این متروکیت حزین ، حریق بوجه
دلخواه خود اجرای حکم مینمود . همه خانه هایکان یکان و پی هم طعمه لبیب
آتش میشد . روسها به (طازوزامپو) عقب کشیده بودند . در کوجه ها ،
وزیر درختان بزرگ ده ژاپنها توله غذاهای خود را بر پا کرده بودند . ضیای
مغموم حریق ، تول غند را روشنی و جرارت مینبخشید . در خارج ده و در میان
ظلمت کثیفه قر اولها پهره میدادند . گاه گاه از بسیار دور لعه های آتش
طوب دیده ، و صداهای رعد آسای بعید آن شنیده میشد . مگر این صدا
از بومباردمان تپه (پوتیلوف) می آمد .

« غیرت غند (صرناغای) این لوی غند و بعد از آنکه تا بشام استراحت نموده
وقت صبح (۵) مارچ پیش از طلوع اردو گاه خود در ترک کرده بحرکت پیش
روی آغاز نهاده بود ، و بعد از کمی ده (فوجاچو) را استیلا نمود .
« غیرت غند (هایاشی) بساعت (۱۲) تا بجنوب ده (طازوزامپو) پیش شده
بود . قر اولهای پیش روس بی آنکه یک گیه بیند از تپه (پای تاچون) که مجمع
قسم کلای شان بود عقب کشیده بودند .

« ژاپنها در اننا شیکه در قسم جنوبی قریه یک کمی توقف کرده سر از نو
برای پیش رفتن حاضری میایند . طوب چینی روس برده مذکور تا گهانی و
شاید یک آتشی کشادند . جنرال (هایاشی) یک افسر را با چند نفر برای تجسس

به پیش روانه کرد . بعد از دو دقیقه این قبول کشف دویده دویده آمده خبر دادند که روسها از (پاستاچون) بر قریه هجوم میاورند ، و بعدخل شمالی قریه نزدیک شده اند .

« جنرال (هایاشی) گمت : « يك هجوم مقابل اجرا بکنیم ، اما افسران معیت او مدافعه را تکلیف کردند . اما جنرال که مالک يك طبیعت غیر قابل انحنابود شمشیر خود را کشیده و به پیش برآمده ، (هجوم مقابل لازمست) گفته بالذات قومانده را بدست گرفت .

« مسافه که در مابین هر دو قریه بود بقدمهای دویدن قطع کرده شد . شرانپلهای روس در اطراف قریه هم ریخت ، و از زمین ابرهای خاک و غبار را بر میداشت . ژاپنها یتاب و پی توان شده بقریه شمالی رسیدند . خط اول دشمن از خط احاطه دیوار قریه بقدر (۴۰) متره دورتر بود . خط دیگران هنوز (۲۰۰) متره دورتر بودند که اگر یکچند دقیقه تأخیر میشد این دیوار قریه بيك استحكام دشمن تحویل می یافت . بيك استعجال بسیار بزرگی ژاپنها اخذمو قع کرده خزینه های تفنگ خود شانرا بر صفهای دشمن خالی کردند . این مدا فعه غیر منتظر حصولت روسها را شکستاند .

« خط پیش هجوم روسها بر خاک هلاك غلطید ، و خط دوم ان بمقب در کشید . و به اینصورت قریه (طازوزا میو) بدست ژاپنها درآمد .

« سما با ابرهای کثیف و مظلمی مستور ، شب خیلی حزن اور و مغموم بود . لکن درازدوگاه ژاپنها يك سرور و شادمانی بزرگی حکمفرما بود . چونکه در قریه (طازازامپو) شراب ، نان ، از هر گونه طعامهای (قونسرده) شده . یعنی — در میان قطعی ها محفوظ مانده ، زغال البسه ، جبه خانه ، لوازم حربیه خریطه ، سیمها برای دامها و شبکه ها و بسی مهمات دیگر موجود بود .

« از طرف جنرال امر شده که افراد هرچه که ارزش داشته باشند بگرفتن
 مأذون آند. این مسئله يك سرور بسیار معصومانند افراد بود. هر کس غیر ایرانی
 میکند، رقص و شادمانی اظهار مینماید. باده نوشی، و طعام خوری دارد.
 چنان گمان میشود که گویا اینهمه فدا کاریها برای تایل شدن همین مسرت امشب
 بوقوع آمده است. احتمال که فردا در محاربه خواهند مرد، اما درین وقت هیچ
 کس فردا را نمی اندیشید. هر اندیشه که بود مصرف همین بود که امشب شب
 به استراحت و عشرت بگذرد؛ یکی جرعه آب از پی بدسکال به از عمر هفتاد و
 هشتاد سال! »

« در عشب بود که از قومندان لوی غند (۴) م این امر آمده: هر چه بادا باد
 گفته خط شمند و فر، و قریه (پای تاجون) را میباید که ضبط کنید.
 « لهذا در زیر خیمه يك مجلس مذاکره کوتاهی عقد گردید. بعد از یک ساعت
 چاو و شهای امر رسان قوماندا نهایی غبرك غند ها امر جنرال را تبلیغ مینمود. وقت
 هم به صبح رسید. »

تول غند جنرال (نوزو) با غبرك غند جناح چپ خود ساعت (۶) به هجوم
 (حاجاپو) آغاز کرده بود. درین شان لوی غند (۴) م جنرال (از قو) نیز امر قو
 ماندان فر قرا که عبارت از ضبط کردن خط شمند و فر و قریه (پای تاجون)
 باشد ایضا مینمود. »

غبرك غند (صوناغا) سر راست بر راه شمند و فر پیش میشود، و غبرك
 غند (هایاشی) از (طازوزامپو) بر قریه های (پای تاجون) هجوم میبرد. طو پچئی
 ژاپان نیز حرکات اینها را سترو و محافظه مینماید. »

از حرکاتیکه غبرك غند (صوناغا) بر خط شمند و فر اجرا نمود هیچ يك
 نتیجه حاصل نشد. زیرا روسها انجبار اخینی تقویه و مستحکم نموده بودند. »

امروزه اینصورت گذشت . خیلی . کچیزی فائده حاصل شد . آنها بخون
پهای (۴۰۰) نفر .

عبرك غند (هایاشی) درین اتنا پیش از انکیر (بای تاچون) هجوم کند
برای استیلا کردن قریه (شا کین بو) کوشش میورید . يك کندك برای
هجوم به پیش فرستاده شد . زمین بادام های طرز پل سوراخها و شکافته گیهای
جسیمی پیدا کرده بود . عسکر عارومیان این حفره را میدرآمدند ، و در انجا
خودشانرا از آتش دشمن نایکتر چه محافظه میکردند .

در مابین (طازامپو) و قریه ، در هجوم میشد بقدر (۱۲۰۰) متره
مسافه موجود بود . آتش تفنگ تأثیر شدیدندهنش ابرامیکرد . ضایعات
خیلی عظیم بود . برای قریه هجوم يك کرد . دیگر فرستاده شد . این کندك
نیز از آتش تفنگ ضایعات بسیاری در چار کردید . نام گاه در ضعیهای روس
از آتش دشمن بایك دود آبی رنگی مستور میگردد . یکی یکبار بهجوم بر
خاستن غیر ممکن بود . بجز اینکه خطوه بخطوه از پیش رفتن مسافه کمایی شود ذکر
چاره نیست . بوقت شام خط اول هجوم بقدر (۳۰۰) متره بدشمن نزدیک شده
بود . ولولت محاربه بدرجه بود که صداهای اسرهای افسران نیز شنیده میشد .
وقتی که شب شد محاربه یکقدری سکونت گرفته عسکرهای زنبیل دار و
غندهای خسته خانه برای جمع کردن مجروحین بگردش آغاز نهادند . این افراد
صحیه در اثباتیکه به ایقای وظیفه های خود مشغول بودند مجروح و یا مقتول
شده بزمین میافتادند .

یکی ازین افراد که کله بر سینه اش خورده بود دیگر رفقایش چون خوا
ستند که برداشته او را ببرند او امتناع نموده گفت : (سرا بگذارید که بمیرم
زیر امن يك آدم بیفایده هستم . من برای برداشتن آمده بودم نه برای برداشته

شدن . دیگران را بزدارید . این آدم بکمال استراحت و جدان به اراحه از داده جنرال (هایاشی) از پیروده گذشتن امر و زمانه شد . ساعت تمام افسران خود را جمع کرده در کنار یک آتش بزرگی که افروخته بودند یک مجلس مذاکره عقد نمود .

جنرال گفت :

« امر زو صبح یکی از غیرک غندها نیکه به تول غندها منسوبند اضطراب کردن قصبه (خانجا بو) موفق گردید حالا که ما هنوز (شا کین بو) را بدست آورده نتوانستیم . آیا شما به این راضی هستید که از دیگر رفقای عسکر به خود پس بمانید؟ اگر همه غیرک غندها محو بشود باز هم باید که این قریه را ضبط کنیم . من برای سردن حاضرم . آیا شما حاضر هستید؟ »

افسران بعد از شنیدن این سخن جنرال بکمال سکوت بر قطعه های خود عودت کردند . بعد از کمی همه تول غندها بمحوش و خروش آمد . مگر سخن جنرال افراد را بغلیان آورده بود ، و بر آنها یک تأثیر سحر آمیزی اجرا کرده بود . در بنوقت همه افسران و افراد بمردن حاضر شده اند ، و همه شان سر ترا تمنا میکنند .

ترتیبات هجوم بر قریه (شاعو کین بو) ساعت یکم ختام یافت در میان صفهای عسکر یک سکوت عمیقی حکمفرما بود . خط نخستین هجوم را دو تولی پیاده تشکیل مینمود . پلان و نقشه هجوم این بود که بموضع دشمن بیصدا و بی ندا نزدیک شده و بعد از آن یکی یکبار با سر نیزه هجوم را اجرا کنند بشابین پلان ، عسکرها محاربه نمیکردند . ولی یکسر بسوی موضعهای دشمن میدویدند . در تاریکی شب بمقابل لعه های آتش تفنگی که از خط شکاری موضع روس دیده میشد نو میدانه و وحشیانه میدویدند .

عند مقتولین دقیقه بدقیقه افزونی میگرفت . صدای افتادن سردگان از برخوردن تفنگ شان بر زمین سخت معلوم میگردد . چنان پنداشتی که گویا افراد به امر جنرال (هایاشی) که گفته است (خود را بکشید) عمل میکنند . در ظرف یکدو دقیقه دو تولی نخستین محو گردید . در عقب (۱۹) نفر باقی ماند . محو و زوال این دو تولی همچنان جلدی و سرعت بوجود آمده بود که گفتانی که در خط دوم قومانده میکرد چون بکفیدن و اشتعال کله های یک قدری روشنی پیدا شد، دید که در پیش رو هیچ کس نمانده ، از آنرو چنان گمان کرد که آن دو تولی برای محافظه جان خود شان بر زمین دراز کشیده باشند . بلی دراز کشیده بودند اما چنان دراز کشیدنی که تا ابد بر نخیزند بنا برین خط دوم ، بجای خط اول قائم گردید ، و در آن ساحه موت برقرار آغاز نهاد . در کم مدت نصف این خط نیز مقتول گردید . و خطهای (۳) و (۴) م نیز بضایعات عظیمه دوچار شدند .

ظلمت شب چون خیلی تیره بود موضع روسها تفریق نمیشد . ژاپنها در آن تاریکی شب بر روشنی آتشفشای تفنگ دشمن به پیش میدویدند ، و نقشها و مجروحان خود شان را پامال میکردند ، و از مواضع فرعی روسها بر میجهیدند . خطهای پیشترین ژاپان بقدر (۳۰) متره بموضعهای روس نزدیک شدند . اما در پی شان خیلی کمتر عسکر مانده بود . عاجزاً امداد فرستادن الزم بود . جنرال (هایاشی) کرنیل (قاجو غازه) را با کندکش امر کرد که قریه را از جهت شمال احاطه بکند . اما چون روسها جهت شمال را نیز بخوبی محکم کرده بودند یک باران بالای کله های تفنگ و تفنگ ما شیندار را بران هابر بختند .

کرنیل که از سه پیشتر در دویدن ، و تشویق دادن بود از قلم پای خود

زخمدار گردیده بیفتاد ، و به گفتنی که در عقب او بود گفت که : « قوما ندأرا شهاد رعهده بگیریده . » گفتان گفت : « مسترح باشید . هر چیز بخاطر خواه شما اجر خواهد شد . » اینرا گفته و هاتدم به پیش دویدن و امر دادن آغاز نهاد . افراد استجکامی که با این کنندك همراه بود ها و انهای چوپینی را که همراه داشتند در نقاط مناسبه تعبیه کردند . ژاپا نهابا این ها و انها از مسافه های نزدیک مواد مشتعل نار به انداختن گرفتند و در کم مدت نتیجه تأثیرات مدهشه آنها دیده شد . دیوار ها و سپرها پی هم غلطیدن گرفت ، و شعله های مدهشه احتراق بالاشد .

مهاجمین ازین احوال استفاده کرده به هجوم سر نیزه برخواستند و مانند يك سیلابه خون افشانی که در جریان آید هر چیزی که در پیش روی شان می آمد با خود برداشته میبردند . روسها ، و ضمه های خود را خالی کردند ، و از خانه بخانه و دیوار بدیوار برجهیده بر خط شدند و فرار آغاز کردند . در وقت طلوع فجر میدان محاربه پدیدار گردید . در خندقهای شکاری مجروحین ، و مقتولین باخاك و خون اغشته شده خرمتهای جسیمی تشکیل داده بودند . در میان غارهای بزرگی که دانه های طلور پیل انرا بوجود آورده بود اعضای بشری و معلوشده بود . این منظره مؤلمه و و ه های انسا نرابر میخیزانید . و دل انسا نرابر و زبر میگردانید . ضایعات ژاپا نهابا از (۳۰۰۰) ادم بود . روسها بقدر (۱۷۰۰) تفنگ و بسی جبه خانه و خیل مهبات و ارزاق درین قریه ترك کرده رفته بودند .

درینوقت همه صحنه محاربه را يك و اوایلای سرور غالبیت پر کرده بود . عسکرهای ژاپان در اطراف اتش بزرگی که در طول غنند افروخته بودند جمع آمده متبادیاً اواز های (طساقو قو : بانزای ژنده باد ، یکا دو ا) را

بفلک میرسانیدند .

سر قوماندان روس جنرال (قورویا تکین) خط مدافعه جهت (شاحو) و اسرا سرخالی کرده قوت خود را برای تقویه جبهه غرب جمع نمود . زیرا از آنطرف تول غند جنرال (نوژی) خط رجعت تول غند روس را الحاطه نموده بود .

احتیاط عمومی تول غند ژاپان در (۷) م مارچ در عقب جبهه تول غند (۳) م و مخود مواصلت کرده بود . غبرك غند (۱۷) م لوی غند (۳) م تول غند (۲) م بوقت صبح (۷) م مارچ بموضع مستحکم (بوخونتون) روس داخل شد . ولی از طرف قول تول غند نخستین پیریا ، ولوی غند (شانیلوف) و غند (۱۰) م روس که برای تقویت آنطرف آمده بودند بضایعات عظیمه دوچار شده و همه موجودی غبرك غند مذکور به (۴۰۰) نفر انزل کرده در نیم شب بر جعت مجبور شدند . باقیانده لوی غند (۳) م و ولوی غند (۸) م خاصه در هجومهای خودشان دوام میکردند . وقوعات امروزی را مخبر ایستالیابی به اینصورت بیان میکنند .

• در روز (۷) م مارچ هنگامیکه روشنی خیره آفتاب زمستان پرده های دمه کثیف هوا را یاره کرده جهان را روشن ساخت معیند (به این) مانند مناره های چراغ دوار ساحل بحر در منتهای افق پدیدار گردید . در ان اثنا از تول غند (اوکو) مشاهده شد که يك خط سیاه دراز و اسرار انگیزی ممدود شده می آید . مگر اینها قطعه های عسکر روس بود که برای اجرای هجوم می آمدند .

• بادور بین اولایك كتملة جسم بشر مشاهده شد . بعد از ان سرها و تنگ های شان را تفریق کردیم . اما باهای شان در میان ابر کثیف خاکی که از حرکت رفتار شان میبر آمد پنهان بود .

• جنرال (قورویا تکین) میخواست که تول غند (نوژی) را که راه کریز

اورا گرفته از میان بدو نیم کرده يك راهی برای خود باز کند . از طرف ارکان حربیه تول غند ژاپان ، حرکات این سیلابه ، مظلم بيك اعتدای مخصوصی تعقیب و تدقیق کرده میشود . تخمیناتی که در حق قوت دشمن داشتند رفته رفته افزونی میگرفت . قوه مذکوره لا اقل از يك قول تول غند مرکب بود . حال آنکه در مقابل آن تنها دو غند عسکر ژاپان وجود بود . این دو غند قوت آزمای ژاپان با وجود کئی عدد خود دلیرانه مقاومت کردند . اما سراسر محو هم شدند .

• • • (لبقا مپو) بوقوع آمد . پیش از آنکه از جریان محاربه بحث رانیم بمسابق احوال يك قدری عطف نظر بکنیم :

• در مقابل (لبقا مپو) لوی غند (۳) م ژاپان موجود بود که يك قسمی از این لوی غند برای معاونت لوی غند (۸) م تول غند (۲) م که بسیار در زیر تضییق و فشار آمده بود فرستاده شده درین وقت تنها يك لوا که مرکب از دو غند باشد مانده بود .

حال آنکه رو سهالز (لبقا مپو) تا به (چه نجی تین) مضاعف یعنی — دو لایه يك خط مدافعه تشکیل کرده بودند . قریه های (لبقا مپو) و (صانغه یا) دو مرکز مقاومت این خط بودند .

• قوماندان لوی غند هجوم را برین دو قریه امر نمود . غندها بر قریه های مذکور دویدند . غندی که بر هجوم (صانغه یا) امور بود این قریه را بيك حمله ضبط کرد . روسها بر خط دوم مدافعه عقب کشیده از اینجا قریه (صانغه یا) را بر آتش مقر اصواری گرفته حال غند را بيك دوره بسیار و مدهشی در آورده غندك طوپ های روس نیز با این آتش اشتراك ورزیدند . غند دیگر که بر قریه (لبقا مپو) به هجوم توجه کرده بودند بوقت صبح بامشکلات و ضایعات بسیاری بعضی اقسام قریه مذکور را بدست ضبط و تسخیر در آورده بودند .

« اینست که درینوقت روسها برای پس بدست آوردن این دوقریه بهجوم مقابل باقوای فایقه آغاز کرده اند .

« ژاپنها بکمال دشواری و جانکنی، وضعهای خود شانرا محافظه میکردند . بساعت (۹) روسها قوه امدادیه فایقه گرفته بودند . بساعت (۱۰) چون دو، برطرف گردید بصورتیکه مذکور گردید نزدیک شدن يك قول تول غندمکمل روسها مشاهده شد .

« مخاربه تابشام بيك وحشت و دهشت بی مثیلی دوام کرده هر دو طرف بضایعات عظیمه دوچار شدند . بجز يك غندم شرويك سرچا ووش دیگر همه افسران غند زخمی و کشته شدند . برا کثرتولی هانقرهای عادتى قومانده می کردند . افراد قلبه که جبهه خانه نقل میکردند نیز تفنگهای نقرهای مقتول را برداشته درخندقهای شکاری بصف حرب داخل میشدند .

« غندم شرويك سرچا ووشی که قوماندان يك کندک شده بود گفت : « نمیدانم که آیا بیریق غند رهایی داده شده است یا نه ؟ » سرچا ووش نا میخواست جواب بدهد که بنا کهان دو کله دشمن آمده بر سر غندم شرويك اصابت نمود، و هاندم مقتولا بر زمین افتاد .

« سرچا ووش هاندم شمشیر غندم شرويك را گرفته و بوضعیت لازمه عسکریه برده غندم شرويك سلام داده هاندم در میان افراد غندم که بر حیات مانده بودند صفت قوماندانی را گرفت .

غندم دیگر که در (صانعیا) مدافعه جا نکانه اجرا می نمود بعد از پیشین به سبب تلف شدن اکثر نفری های غندهایش، و افزونی گرفتن قوای دشمن خط مدافعه خود را به تنك کردن لزوم دید . بساعت (۳) ضایعات غندم بيك درجه مدهشی رسید . يك قسم قریه را با بجز و حیثی که در آن بود به ترك کردن

مجبور گردید . در بعضی جاها امشهای مرده کان راه راه اسر شدند نموده بود که مجبوریت آنها را یامال کرده میگذاشتند . در میان این خرمینهای دهشت افرا ، خون همانند يك سيلابه جريان داشت که شدت سردی آن خون را انجماد داده يك يخ مالکی بوجود آورده بود .

• بساعت (۵) خبر مدعی تمام شدن جبهه خانه شایع گردید غنچه مشر بکمال بی پروایی امر کرد که توشه های جبهه خانه دار کشته گان را جستجو کرده بردارید . و بسدای بسیار مینوی متبادیاً همین دو کلمه را تکرار میکرد که :

(شینو مادا) یعنی — (تا بمرک !)

• آخر الامر ، غنچه مشر يك قرار نومیدانه داد که آنها این بود که با همین غنچه قلیله خود بر دشمن حمله کنند . و نکو حیات خود و افراد خود دخانه کشند . لهذا کرنیل (اوقوچی) را که بغیر از و دیگر اسر نمانده بود به نزد خود خواسته گفت :

• من برین يك قرار دادم که هجوم کنم ، عاقبت این هجوم معلوم است که چیست . شما بپرق غنچه را گرفته به نزد جنرال ببرید ، و از احوال به از خبر بدیده .

• کرنیل (اوقوچی) اگر چه خیلی استرحامها کرد ، که سرا ازین کار عقب فرمائید و بگذارید که به هجوم اشتراك ورزم ، ولی چون رهایی دادن بپرق غنچه عبارت از ناموس ان غنچه است به اطاعت گردن مجبور شد .

• کرنیل (۳) نفر قره بد را ترک نمود و بر آه افتاد ، بی عم این شش نفر بعضی مقتول و بعضی مجروح افتادند تنها کرنیل و يك نفر اخیری قی بماند . لکن بعد از کمی آنها نیز مجروح شده افتادند . و بکمال مشکلات خود را کشتان کشتان از زیر آتش دشمن کشته کردند . در اینجا کرنیل از نفر پرسید که :

— چه نام داری ؟

نفر — (می به را) نام دارم •

کرنیل — راه رفته میتوانی ؟

نفر — یکتائی •

کرنیل — ایابیرق و مکتوب که بتو بدادم وعده میکنی که بجنرال برسانی ؟

نفر — بلی •

«کرنیل بیرق خون لودرا بدو دست پر خون خود بکمال احترام تابه پیش جبین خود بالا برآورده به نفر تسلیم نمود . بعد ازان این مختصر وصیتنامه خود را نوشته کرد :

«درینوقت که میدان محاربه را ترک کرده ام بنا بر امر قوماندان غنده است که به ایضای وظیفه مقدسه رهائی دامن بیرق غنده سر اما مور نموده اما چون زخم کاری خورده ام بسبب موفق نمودن بر ایضای این وظیفه مقدسه خود خیلی بحسرت میمیرم •

برای آنکه امشب با غنده مشرود دیگر رفتاری خود که از عالم حیات وداع میکنند ملاحظه شوم به انتظار کردن قرار دادم • ازین زیاده نوشته نمیتوانم • چونکه خیلی مضطربم • لودراع :

«کرنیل (اوتوچی) بعد از آنکه این مکتوب خورده را نوشته به نفر (می به را) تسلیم نمود ظهرا آنچه خورده را کشیده بر شقیقه سفرد سوار نمود .

«بعد از یک ساعت بقرار که شبرنگ غنده باشد نفر می کشان کشان و محلات نزع واصل شد • این نفر (می به را) بود که بر پشت خود بیرق غنده رود میان کلاه نمود مکتوب کرنیل را آورده بود •»

لوی غندهای (۵) م ، (۶) م ژاپن که در ساحل جنوبی شهر (عوف) بودند بعد از محاربه های خون ریزانه بسیاری بوقت شام (۷) م مارچ ، روسهارا